ماشاء اللہ لا قوۃ الا باللہ

الحمد للہ کہ از تصنیف جناب قاضی محمد ثناء اللہ صاحب مغفور رسالہ

تذکرۃ الموتیٰ والقبور

باہتمام اسیر ... محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان مرحوم

در مطبع نظامی واقع کانپور مطبوع گردید

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی الآخرة وهو الذی یثبت الذین آمنوا بالقول الثابت فی الدنیا والآخرة والصلوة والسلام علی محمد ن المبعوث بخیر الادیان لصلاح الدنیا والآخرة بعد از حمد وصلوة فقیر حقیر محمد ثناء الله عثمانی پانی پتی مجددی میگوید که مردن امریست لابدی لامفر منه وذکر موت واحوال آن یاد داشتن باعث رفع غفلت وموجب برکات ست لهذا رساله بزبان فارسی در احوال موت واموات وقبور از کلام امام المتاخرین شیخ جلال الدین سیوطی رحمة الله علیه استفاده نموده می‌نویسید تا فیض آن عام شود باب بدء الموت ابن ابی شیبه از حسن بصری روایت کرده است که حق تعالی چون آدم وذریت او را پیدا کرد ملائکه گفتند الهی زمین اینها را گنجایش نخواهد کرد حق تعالی فرمود که در اینها موت گردانم گفتند پس اینها را زندگی گوارا نشود فرمود که اینها را طول امل دهم و احمد از مجاهد ذکر کرده که چون حق تعالی آدم را بزمین فرستاد فرمود ابن للخراب ولد للموت مسئله تمنی موت ودعا بدان برای رنج ومصیبت جائز نیست در صحیحین از انس مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آرزوی موت برای رنج نکنید اگر ناچار باشید بگویید اللهم احینی ما کانت الحیوة خیرا لی وتوفنی اذا کانت الوفاة خیرا لی در نهی از تمنی موت احادیث بسیار اند اگر نکوکارست شاید نکوئی زیاده کند واگر بدکارست شاید که توبه کند این چنین بخاری از ابی هریره از آنحضرت روایت کرده اند وترمذی و احمد وحاکم از ابی بکرة روایت کرده که مردی پرسید یا رسول الله بهترین مردم کیست فرمود کسی که عمرش دراز بود وعملش نیک پرسید بدترین مردم کیست

فرمود هر که عمرش دراز باشد و عملش بد این حدیث صحیح ست و احمد از ابی هریره روایت کرده
که مردی شهید شد و برادرش بعد سالی مرد طلحه رضی الله عنه بهشت را بخواب دید و برادر
دوم را از شهید پیش قدم دید و این خواب بجناب حضرت صلی الله علیه وسلم گفت و
تعجب کرد آنحضرت فرمود که آنکه بعد او مرده است آیا یک رمضان صوم و یکسال نماز ادا نکرده
یعنی جای تعجب نیست مسئله اگر در دین خوف فتنه باشد آرزوی موت جائز ست در دعای
آنحضرت منقول ست اذا اردت بقوم فتنة فاقبضني اليك غير مفتون آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود باید که کسی از شما آرزوی موت نکند مگر وقتیکه اعتماد بنا شد او را که عمل نیک کند
فصل بیهقی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود موت تحفه
مومن ست و همچنین از آن حضرت جابر و امام حسین و عائشه رضی الله عنهم روایت کرده اند
الموت غنيمة المومن ريحانة المومن و در حدیث صحیح آمده که دو چیز را آدم مکروه میداند موت را
و موت بهتر ست از معصیت و قلت مال را و از قلت مال حساب کم باشد فائده و گاهی
بزرگان از شوق وصال حق آرزوی موت کرده اند رسول صلی الله علیه وآله وسلم وقت وفات
گفته اللهم الرفيق الاعلى و یوسف علیه السلام گفته توفني مسلما والحقني بالصالحين و طبرانی
از ابی مالک اشعری روایت کرده آنحضرت فرمود صلی الله علیه وآله وسلم آلهی موت را محبوب
کن بسوی هر که مرا رسول تو داند مولوی روم میگوید من شوم عریان ز تن او از خیال
تا خرامم در نهایات الوصال فصل ۲ قرطبی گفته که در حدیث آمده که بعضی انبیا از ملک الموت
گفت که تو پیش از آمدن خود چرا کسی را نمی فرستی که مردم از تو هشیار باشند ملک الموت
گفت که والله پیش از من چند چیز می آیند و آگاه میسازند بیماریها و پیری و تغییر سمع و بصر بسیا
چون یاد نکند مرا و توبه نکرد من آواز میدهم وقت مرگ که آیا من پیش خود رسول بعد رسول و
نذیر بعد نذیر نفرستاده بودم حالا من خود رسول و نذیرم بعد من رسول و نذیر نیست و حدیث صحیح
از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم است که فرموده که هر کرا حق شصت سال
عمر داد او را عذر باقی نگذشت باب در علامت خاتمه خیر و بد و اسباب آن رسول صلی الله
علیه وآله وسلم فرمود وقتیکه الله اراده نیکی کند از بنده او عمل نیک کناند پیش از مرگ روا ده

الترمذی و حاکم عن انس و حاکم و احمد از عمرو بن الجموح و صححه چنین آورده و زیاده کرده تا آنکه همسایه او
از او راضی شوند و از عایشه رض از آنحضرت صلعم احمد روایت کرده وقتیکه حق تعالی اراده نیکی کند یکسال پیش یا
از مرگ او فرشته بفرستد که محکم کند کار او را و توفیق دهد او را تا آنکه بمیرد در نیکوترین اوقات او پس
چون حاضر شود موت و ببیند آنچه مهیا کرده است برای او خدا قصد برآمدن کند جان او از حرص
پس آنگاه دوست دارد ملاقات خدا را و دوست دارد خدا ملاقات او را و چون خواهد الله با بنده
بدی مسلط کند پیش از مرگ او بیکسال شیطانی را که گمراه کند او را تا آنکه بمیرد بر بدترین اوقات او پس
چون موت حاضر شود و ببیند آنچه مهیا کرده است حق تعالی برای او از عذاب قصد فرو رفتن کند
جان او برای مکروه داشتن خروج پس آنگاه مکروه داند بنده ملاقات خدا را و خدا ملاقات او را و بعضی
علما گفته که اسباب سوء خاتمه نعوذ بالله منها چهار چیز اند سستی در نماز و خوردن خمر و نافرمانی والدین و ایذای
مسلمانان و آنحضرت فرمودند صلی الله علیه و آله و سلم که مسلمان می میرد از عرق پیشانی رواه الترمذی
و حاکم و صححه عن بریده و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم وقت مرگ اگر از پیشانی عرق و آب از
چشمان ریزد و پره بینی فراخ شوند پس رحمت خدا بر وی نزول کرده است و اگر از گلو آواز مثل آواز
شتر مخنوق برآید و رنگ او تباه شود و بهره و شقیقه او خار شود پس عذاب خداست که در آمده در و
رواه الترمذی عن سلمان الفارسی و در حدیث آمده موت مومن بعرق پیشانی میشود هیچ مسلمانی
نیست مگر از وی گناهی سر زده است عوض آن رنج و شدت در دنیا شده آنچه باقی مانده سختی موت مکافات
آن میشود رواه البیهقی عن ابن مسعود **فایده** سختی موت مومن و کافر هر دو را می شود برای مومن رحمت است
که کفاره گناه و رفع درجه او میشود و کافر را اول شدت ست که بوی میرسد و گاهی بر کافر بسبب
بعضی اعمال صالحه وقت مرگ که آخر ایام دنیاست آسانی میشود و این چنین در حدیث ابن مسعود
از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم طبرانی روایت کرده از وهب بن الورد و دینوری روایت کرده که
حق تعالی میفرماید از دنیا بنی آدم کسی را نمیبرم مگر آنکه اگر در حق او رحمت میخواهم هر گناهی میکند عوض او را بیماری
مصیبت در اهل و بیت و تنگی معاش و تنگی رزق میرسانم اگر چیزی از گناهان او باقی میماند وقت مرگ بروی سختی میکنم تا که بمیرد
پاک از گناهان چنانچه بود روز ولادت و اگر در حق او عذاب میخواهم هر حسنه که کرده است عوض آن او را صحت بدن
و فراخی رزق و راحت زندگانی میرسانم اگر چیزی باقی ماند از حسنات او مرگ بر وی آسان میکنم تا که بمیرد

و هیچ حسنه او را نباشد که از آتش پناه او بود و ابن ماجه از عائشه رض روایت کرده که آن حضرت فرمود
که مسلمان را ثواب میرسد در هر چیز تا آنکه در سختی وقت مرگ هم و در حدیث صحیح ابن ابی الدنیا از
حسن بصری از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود سختی موت بقدر سیصد
ضرب شمشیر باشد و هم او از علی رض روایت کرده که هزار ضرب شمشیر آسان است از موت و خطیب
از انس از آنحضرت همچنین روایت کرده و شهید الم موت نیابد مگر مانند خاریدن ناخن و همچنین
خطیب از قتاده از آنحضرت روایت کرده **باب** آنچه انسان در مرض موت بگوید و آنچه نزد وی
خوانده شود و تلقین میت و بعد موت آنچه گفته شود حاکم از سعد بن ابی وقاص از آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود هر که در مرض خود لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین چهل بار خواند اگر دران مرض بمیرد ثواب شهید یابد و اگر تندرست شود گناهان او بخشیده
شود و مروزی از بکر بن عبد الله المزنی روایت کرده که گفت هر کرا ملک الموت آید و او با وضو
باشد او را ثواب شهادت داده شود و احمد و حاکم از آنحضرت روایت کرده که هر که آخر کلام او لا اله
الا الله باشد داخل بهشت شود و مسلم از آن حضرت روایت کرده که تلقین کنید یعنی یاد دهید
کسی را که موت او حاضر شود لا اله الا الله بیهقی در شعب الایمان از ابی اوفی روایت کرده که در حضور
آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم غلامی را لا اله الا الله تلقین کردند او نتوانست گفت بسبب عقوق
والدین هر گاه مادرش راضی شد لا اله الا الله گفت آن زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گفت
الحمد لله الذی انقذه بی من النار یعنی الحمد لله که او را حق تعالی بسبب من از آتش خلاصی داد و
ابن عساکر از عبد الله المحاربی روایت کرده که مردی را گفته شد که لا اله الا الله بگو او گفت که
نمیتوانم گفت بودم صحبت داشتم با قومی که مرا امر میکردند به بد گفتن ابی بکر و عمر رضی الله عنهما
فصل ابن ابی الدنیا و دیلمی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده
که بر سر میت اگر یس خوانده شود خدا بروی مرگ آسان کند و ابن ابی شیبه و مروزی از شعبی
روایت کرده که انصار نزد میت سورهٔ بقره میخواندند و مروزی از جابر بن زید روایت کرده که
دوست میداشت وقت حاضر شدن میت خواندن سورهٔ رعد را ازین مرگ آسان میشود
و میگفتند که مردم یک ساعت پیش از مردن کسی در حضور آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم

این دعا میخوانند اللهم اغفر لفلان بن فلانة وبرّد علیه مضجعه ووسّع علیه فی قبره واعطه الراحة بعد الموت والحقه بنبیّه وتولّ نفسه وصعّد روحه فی ارواح الصالحین واجمع بیننا وبینه فی دار یبقی فیها الصحة واذهب عنا النصب واللغوب وصلی علی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و این دعا مکرر خوانند تا که قبض روح او شود و ابن ابی شیبه از ام سلمه روایت کرده که گفته شود نزد محتضر کلام سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و طبرانی از آنحضرت روایت کرده که ملائکه نزد میت حاضر میشوند و آمین میگویند بر آنچه اهل خانه میت میگویند پس آنحضرت گفت اللهم ارفع درجته فی المهدیین واخلفه فی عقبه فی الغابرین واغفر لنا وله یوم الدین باب در احوال ملک الموت و اعوان او و ابن ابی الدنیا از ابن مسعود و ابن عباس روایت کرده که چون حقتعالی ابراهیم علیه السلام را خلیل خود کرد ملک الموت از جناب الهی اذن خواست که ابراهیم را ازین معنی بشارت دهم اذن شد و ملک الموت پیش ابراهیم آمد و بشارت داد ابراهیم حمد خدا گفت پس گفت ای ملک الموت ارواح کفار را چگونه قبض میکنی گفت ای ابراهیم طاقت دیدن نیاوری گفت آرم ملک الموت گفت روی از من بگردان روی گردانید پس دید ملک الموت را بصورت مردی سیاه سر باسمان کشیده می آید از دهن او شعله آتش و در تمام بدن هر موی که هست بصورت مردیست که از دهن و از هر مسام او شعله آتش می برآید ابراهیم او را دیده غشی کرد پس بافاقت آمد و ملک الموت را بصورت اصلی دید و گفت ای ملک الموت اگر کافر را هیچ رنج و بلا نباشد همین دیدن صورت تو بس است پس گفت شما را چگونه قبض میکنی روح مومنان را گفت روی بگردان از من چون روی بگردانید پس دید مردی جوان خوبترین مردم در حسن و جمال و خوشبوی در پارچه های سفید پاکیزه پس گفت ای ملک الموت اگر مسلمان را نزد مردن دیگر راحت و کرامت نباشد هر آینه دیدن صورت تو بس است و همچنین ابن ابی الدنیا از کعب روایت کرده و ابن ابی حاتم از زهیر بن محمد روایت کرده که از رسول صلی الله علیه وآله وسلم گفتند که یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ملک الموت یکیست و دو صفهای جنگ از مشرق و مغرب و در میانه مردم می میرند فرمود که حق تعالی جمع کرده است تمام دنیا را برای ملک الموت چنانچه طشت نزدیک از شما باشد و احمد از معمر روایت کرده که ملک الموت اجل انسان را میداند تا که حکم شود به قبض روح او و ابن ابی الدنیا از ابن جریج روایت کرده که ملک الموت را

حکم میشود که فلان کس را در فلان وقت قبض کن و ابو نعیم و غیره از مجاهد روایت کرده‌اند که تمام زمین نزد ملک الموت مانند طشت ست میگیرد از هر جا که خواهد و برای او مددگاران یعنی پیشکاران اند قبض روح میکنند پس از اینها ملک الموت میگیرد و جویبر در تفسیر خود از ابن عباس روایت کرده که همراه ملک الموت ملائکه رحمت و ملائکه عذاب اند جان پاک را قبض کرده بملائکه رحمت میدهد و جان خبیث را بملائکه عذاب می سپارد و ابن ابی حاتم و ابن ابی شیبه از ابن عباس روایت کرده که ملک الموت را اعوان اند و همچنین ابو الشیخ از نخعی روایت کرده و گفته که از اعوان ملک الموت میگیرد و از ابن وهب مرویست که ملائکه که همراه آدمیان هستند همان اجل او را مینویسند و همان قبض روح میکنند و ملک الموت را می سپارند ملک الموت رئیس آنهاست و طبرانی و ابن منده از حارث بن الخزرج روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله و سلم ملک الموت را نزد سر مردی از انصار دید و فرمود ای ملک الموت رفق و مهربانی کن با یار من که مسلمان ست ملک الموت گفت خوش باش یا محمد من با هر مسلمان رفیق و مهربانم و بدان یا محمد که من روح ابن آدم را قبض میکنم پس وقتیکه آواز گریه می برآرند اهل او در خانه او استاده میشوم و با من روح او می باشد و میگویم ای گریه کنندگان قسم بخدا ما ظلم بوی نکرده ایم و اجل وی را سابق نکرده ایم و جلدی نموده ایم و ما را در قبض روح گناهی نیست اگر بحکم خدا راضی باشید ثواب یابید و اگر ناخوش شوید گنهگار شوید و بدرستی که ما را نزد شما باز آمدن ست و باز آمدن پس هشیار باشید و هیچ خانه نیست از نکوکاران و بدکاران مگر آنکه متوجه میباشم بدان شبانه روز تا که من می شناسم هر صغیر و کبیر را زیاده تر از نفس شان و قسم بخدا اگر خواهم که قبض روح یک پشه کنم نمیتوانم تا که حق تعالی اذن دهد و امام جعفر صادق گفته که در اوقات نماز ملک الموت بر مردم متوجه میشود پس چون وقت مرگ بیند کسی را که بر نمازهای پنجگانه محافظت داشت نزدیک او میشود و شیاطین را از و دفع میکند و کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله بوی تلقین میکند و ابن ماجه از ابی امامه روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که حق تعالی قبض ارواح بملک الموت سپرده مگر ارواح شهدای بحر خود قبض می فرماید یعنی کسانیکه برای حج بر جهاز سوار می شوند **فصل** رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که در شب نصف از شعبان نوشته میشود کسانی که در آن سال

بمیرند شخص نکاح میکند و تولد میکند و نام او در اموات ست وحی میشود بسوی ملک الموت
برای قبض روح کسانیکه دران سال حکم مردن شان باشد همچنین در حدیث مرفوع و موقوف
آمده و حاکم در مستدرک از عقبه بن عامر آورده که اول کسی که موت آدمی را میداند حافظاو که
عمل او را می برد بآسمان و رزق او می آرد وقتیکه رزق خارج نشد دانست که خواهد مرد

باب

در بیان کیفیت موت مومن و کافر و بیان ملائکه وغیره که وقت مرگ حاضر میشوند و آنچه او را میت
می بیند و می شنود احمد و ابوداود وغیرهما بطرق صحیحه از براء بن عازب روایت کردند که آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم بر جنازهٔ مردی از انصار دو سه بار استعیذوا بالله من عذاب القبر گفت و
فرمود که بندهٔ مومن را وقت مرگ ملائکه از آسمان فرود می آیند خوش رو گویا روهای شان
مثل آفتاب ست با آنها کفنها و خوشبوها از جنت باشد و گرد وی بنشینند تا مد نگاه پس تر
ملک الموت آمده نزد سر آن کس بنشیند پس بگوید ای نفس مطمئنه یعنی آرمیده بذکر خدا برآ
بسوی مغفرت و رضوان او پس برآید جان او چنانچه قطرهٔ از مشک میچکد یعنی بآسانی پس ملک
الموت آنرا میگیرد و از ملک الموت در طرفة العین ملائکه که گرد نشسته بودند میگیرند و دران کفن
و خوشبوی و حل میسازند و ازان نفس خوشترین بوی مشک برمی آید پس آن نفس را بسوی
آسمان میبرند پس هر گروه ملائکه که میگیرند میگویند که چه خوش روح پاک ست و نام او بکمال
تعظیم میگیرند که فلان بن فلان ست تا که میرسند بآسمان و درهای آسمانرا میکشایند و کشاده
میشوند و مشایعت او میکنند ملائکه مقربان از هر آسمان تا آسمان دیگر تا که برسد بآسمان هفتم
پس حقتعالی بفرماید بنویسید نامه بندهٔ من در علیین و باز برید او را بسوی زمین پس بدرستی
که پیدا کرده ام آنها را از زمین و دران بازگردانم و ازانجا باز بیرون آرم بار دیگر پس گردانیده میشود
روح او در بدن او پس بیایند دو فرشته پس او را بنشانند پس بگویند من ربک یعنی کیست
پروردگار تو گوید پروردگار من الله ست پس بگویند چیست دین تو گوید دین من اسلام ست
پس بگویند چیست این مرد که درمیان شما مبعوث شده پس بگوید او رسول الله ست صلی
الله علیه وآله وسلم پس بگویند از چه دانستی پس بگوید خواندم کتاب خدا را پس ایمان آوردم و
تصدیق کردم پس آواز دهد آواز دهنده از آسمان که بندهٔ من راست گفته پس فرش کنید

برای او از جنت و بپوشانید او را از جنت و بگشایید برای او دری بسوی جنت پس آمده باشد
او را باد خوش و خوشبو از جنت و فراخ کرده شود قبر او تا مد نگاه پس آید نزد او مردی خوشتر
و پاکیزه لباس خوشبو پس بگوید شاد باش بخیری که آسان کرد خدا ترا این روز تست که وعده
کرده شده بودی پس بگوید تو کیستی روی تو خوشی و خوبی می آرد پس بگوید که من عمل نیک
توام پس بگوید ای پروردگار قیامت قائم کن تا رجوع کنیم بسوی اهل و مال خود فرمود رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم و بدرستی که بنده کافر را وقت مرگ ملائکه سیاه رو آیند با آنها مسوح باشد
یعنی پوشاک آهنی از دوزخ پس بنشینند ملائکه نزد او تا مد نگاه پس آید ملک الموت و نشیند نزد سر
او پس بگوید برآی ای نفس خبیث بسوی غضب خدا پس متفرق شود روح او در بدن او پس کشد آنرا
چنانچه کشیده میشود سیخ از ابریشم تر پس بگیرد ملک الموت او را پس نگذارند او را ملائکه عذاب در
دست او طرفة العین تا که میکنند او را در آن مسوح و بر می آید از وی بو مانند بدترین بوی مردار پس
می برند او را بسوی آسمان پس نمیگذرد بر جماعتی از ملائکه مگر آنکه میگویند که چه روح خبیث ست
پس میگویند فلان بن فلان ست به بدترین نامهای او که در دنیا بود تا که بسوی آسمان میبرند
پس کشاده نشود برای او دروازه آسمان و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این آیه خواند لَا تُفَتَّحُ
لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ پس او را انداخته شود از آنجا اندختنی و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم این آیه خواند
فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ پس بازگردانیده شود روح
او در بدن او و بیایند او را دو فرشته پس بنشانند او را و بگویند از وی هر سه سوال گذشته و او هر بار
بگوید هاه هاه نمیدانم پس آواز کند آواز کننده از آسمان که دروغ گفته این بنده من پس فرش کنید
برای او از آتش و بپوشانید او را از آتش و بگشایید برای او دری بسوی دوزخ پس آمده
باشد او را گرمی و باد زهرآلوده دوزخ و تنگ شود بروی قبر تا که با یکدیگر شوند استخوان سینه او
و بیاید او را مردی بدرو بد پارچه بدبو پس بگوید بشارت باد ترا بچیزی ناخوش کند ترا این روز تست
که وعده کرده شده بودی تو پس بگوید تو کیستی که روی تو بدی و ناخوشی می آرد پس گوید که من اعمال
بد توام پس بگوید ای پروردگار قیامت قائم مکن و ابو یعلی و ابن ابی الدنیا از تمیم داری از آن
حضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی ملک الموت را بفرماید که برو

یعنی گشاده نشود برای ایشان درهای آسمان ۱۲

یعنی گویا افتاد از آسمان پس میربایند او را مرغان یا می اندازد او را باد در مکان بعید ۱۲

بسوی دوست من او را بیار بر من پس بدرستی که من او را امتحان کردم بخوشی و ناخوشی پس یافتم او را دوست تر پس بیار او را تا رها کنم او را از رنجها و غمهای دنیا پس آید ملک الموت با پانصد فرشته با آنها کفنها و خوشبو از بهشت باشد و با آنها باشد دستها از ریحان بیخ ریحانه یکی باشد و سر سرش بهشت رنگ باشد هر رنگ را بوئی علحده و با آنها حریر سفید باشد و در آن مشک اذفر و نشینند ملک الموت نزد سر او و گرداگرد او شوند ملائکه هر فرشته دست خود بر عضوی از اعضای او نهد و بگسترانند آن حریر و مشک زیر ذقن او و گشاده شود برای او دری بسوی بهشت و رغبت داده شود او را بتحفه های بهشت گاهی بازواج و گاهی بپوشاک و گاهی بمیوه ها چنانچه طفلان را چون گریند بچیزهای خوش مشغول میسازند و ازواج او یعنی در بهشت اشتیاق کنند او را و جهندگی و جلدی کنند روح او و ملک الموت بگوید برآی ای روح پاک بسوی سدر مخضود یعنی کنار بیخار و طلح منضود یعنی درخت بافته از برگ که شاخ از کثرت برگ دیده نشود و ظل ممدود یعنی سایه دراز و ماء مسکوب یعنی آبهای روان فرمود آنحضرت که ملک الموت با میت لطفها کند چنانچه والده با ولد کند از بهر آنکه میداند که این روح محبوب است نزد خدا و کریم است نزد وی از لطف کردن با آن روح ملک الموت رضای خدا از خود میخواهد پس بکشد روح او را چنانچه موی از خمیر کشیده شود و چون روح برآید ملائکه گرد او گویند سلام علیکم طبتم فادخلوا الجنة بما کنتم تعملون یعنی پاکی است شما را داخل بهشت شوید باعمال خود پس چون ملک الموت روح را قبض کند روح مر جسد را گوید حق تعالی ترا جزای خیر دهد بودی تو مرا جلد بسوی فرمانبرداری خدا و دور از معصیت او پس گوارا باد ترا که نجات یافتی و نجات دادی مرا و جسد روح را همچنین گوید و بقعه های زمین که آنجا عبادت میکرد بروی گریه کنند و درهای آسمان که از آن عمل او بالا میرفت و رزق او از آنجا فرود می آید تا چهل روز بروی گریه کنند و بعد قبض روح آن پانصد فرشته نزد جسد او باشند هرگاه بنی آدم آن مرده را از پهلو به پهلو کنند آن فرشتگان او را پیشتر از آن از پهلو به پهلو گردانند و کفن او را حنوط رسانند پیشتر از آن که آدمیان رسانند و ایستاده شوند از دروازه او تا قبر دو صف از ملائکه استقبال کنند برای او و باستغفار آن زمان ابلیس آواز کند بعضی که بشکافد از آن آواز بعضی استخوان جسد او و بگوید لشکر خود را هلاکی است شما را چگونه خلاص شد این بنده از شما پس بگویند که این مرد معصوم بود یعنی خدا او را نگاه داشته

پس وقتیکه روح او را بسوی آسمان برند استقبال کنند او را جبرئیل علیه السلام و هفتاد هزار ملایکه
هر یک از آن او را بشارت دهند از پروردگار او پس چون ملک الموت او را بعرش رساند آن
روح بسجده رود برای پروردگار او پس بفرماید حق تعالی ملک الموت را که ببر بنده مرا پس بگذار
او را فی سدر مخضود و طلح منضود و ظل ممدود و ماء مسکوب پس وقتیکه نهاده شود آن مرده
در قبر پس آید نماز باشد بر یمین او و روزه بر یسار او و قرآن و ذکر نزد سر او و رفتار او برای نماز
نزد هر دو پای او و صبر نزد گوشه قبر او و بفرستد الله تعالی گردنی از عذاب یعنی بسبب بعضی
معاصی که از و صادر شده باشد پس آید او را از جانب یمین پس او را نماز گوید دفع کرده است
ترا این بنده قسم بخدا که این بنده رنج کشیده است تمام عمر راحت نیافته است مگر حالا که در قبر نهاده
شده لیکن جانب چپ آید روزه همچنین گوید پس از جانب سر آید همچنین گفته شود پس از
هیچ جانب عذاب بسوی او راه نیابد و صبر دیگر اعمال را بگوید که من بذات خود مانع نشدم
از آنجا که شما کفایت کردید اگر شما عاجز میشدید من یاری او میکردم حالا من ذخیره او هستم نزد صراط
و میزان و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و بفرستد حق تعالی دو فرشته که بصر آنها مانند
برق رباینده باشد و آوازه شان مثل رعد و دندانهای شان مثل شاخ گاو و دم آنها مانند شعله
آتش در میان هر دو شانه او چندین بعد و مسافت باشد از دل آنها حق تعالی رحمت دور کرده
مگر بر مسلمانان نام یکی منکر و نام دیگری نکیر در دست هر یک از آنها گرزی باشد از آهن که اگر جن
و انس جمع شوند آنرا حرکت نتوانند داد پس بگویند او را بنشین پس بنشیند در قبر خود و فرو رفته
کفن او پس بگویند کیست پروردگار تو و چیست دین تو و کیست نبی تو گوید پروردگار من الله
است وحده لا شریک له و دین من اسلام است و نبی من محمد است علیه الصلوة والسلام
خاتم النبیین پس بگویند درست گفتی پس قبر او را از هر سو فراخ کنند و بگویند که ببین
بالای خود پس ببیند بهشت را و گویند این خانه تست ای ولی خدا بسبب فرمانبرداری حق تعالی را
فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پس قسم بکسی که جان من در دست اوست که در دل آن مرده
بقسمی فرحت رسد که گاهی دور نشود پس بگویند که ببین زیر خود پس دوزخ را ببیند و بگویند ای
ولی خدا نجات یافتی از این و فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که قسم بکسی که جان من در دست اوست

اورا نسیمی فرحت بدل رسد که گاهی دو در شود و گشاده شود برای او هفتاد و هفت در بسوی
جنت که آمده باشد او را از آنجا خوشبو و راحت تا که برخیزاند او را حق تعالی از قبر او و بگوید حق تعالی
ملک الموت را که برو بسوی دشمن من پس بیار او را پس بدرستی که من فراخ کردم رزق او و در آ
او به نعمت خود پس نکرد مگر نافرمانی من پس بیار او را تا انتقام گیرم از وی پس رود ملک الموت
در بدترین صورت که ندیده باشد کسی از مردم گاهی باشد او را دوازده چشم و با او سیخی باشد
از آتش بسیار خاردار و با او پانصد فرشته باشند با ایشان و دو آتش باشد و پیکانها از آتش
دوزخ و با آنها تازیانه ها باشد از آتش افروخته پس بزنند او را ملک الموت بدان سیخ به سختی غایب
شود هر خار از آن سیخ خاردار در هر موی و هر رگ او گفت پس بکشد آنرا به سختی پس بکشد روح
او را از ناخن های پای او پس بیندازد آنرا در پاشنه های وی پس بیهوش شود دشمن خدا پس بزنند
فرشتگان روی و پشت او را بآن تازیانه ها پس همچنین بکشد روح تا بندازد او را پس تا سینه او
هم چنین تا حلق و گسترانند ملائکه آن دخان سوزان و آتش دوزخ زیر زنخ او و بگوید ملک الموت
برآی ای نفس خبیث لعین ملعون بسوی سموم یعنی باد زهر آلوده و حمیم یعنی آب کمال سوزان
و ظل من یحموم لا بارد و لا کریم و سایه از دخان نهایت سیاه نه سرد و نه مفید و چون قبض کند
ملک الموت روح را روح گوید جسد را و جسد گوید روح را جزا دهد خدا ترا بد بودی تو جاهد بسوی
معصیت و درنگ در طاعت پس هلاک شدی تو و هلاک کردی مرا و لعنت کنند او را بقعه ها
تمامی که بران گناه میکرد و لشکر ابلیس خوش خبر دهند ابلیس را که آوردیم یکی از بنی آدم را در دوزخ پس
چون نهاده شود در قبر تنگ شود بر وی تا که بهم یکی شوند استخوان سینه او و بفرستد حق تعالی
مارهای سیاه را پس بگزد او را از سر انگشت های پای پس بخورد آنرا تا که برسد در کمر او و بفرستد
حق تعالی بسوی وی منکر و نکیر را و بپرسند از پروردگار و دین و نبی او و گوید او نمیدانم پس گفته
شود او را ندانستی و پیروی نکردی پس بزنند او را بقسمی که بپرند شراره های آتش در قبر او
باز درست شود و بگویند ببین بالای تو پس ببیند بهشت را و گویند ای دشمن خدا اگر فرمان برداری
میکردی این از تو میشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم پس قسم بکسی که جان من در
دست اوست که رسد او را حسرتی که دو نیم شود از و گاهی و گشاده شود برای او دروازه .

بسوی دوزخ وگفته شود اینست خانه تو بسبب نافرمانی خدا وکشاده شود برای او هفت در
وهفت در بسوی دوزخ تا آید او را گرمی و باد زهرآلود و آن تا که بردارد او را حق تعالی روز قیامت
بسوی دوزخ آنچه درین حدیث آمده که ملک الموت نعمتهای بهشت نموده بنده مومن را رغبت
میدهد و مثل طفلان او را خوش میسازد و بعضی دوستان خدا بآن نعمت ها نظر فرود نمی آرند و دیدار حق
میخواهند نقل است که شیخ سعراوی رحمة الله علیه وقت مرگ چون نعمت های بهشت دید برآشفت
وگفت شعر ان کان منزلتی فی الحب عندکم + ما قد رأیت فقد ضیعت ایامی + یعنی اگر هست
مرتبه من در محبت نزد شما آنچه من دیدم پس بی رستی که من عمر خود را ضائع کردم حق تعالی ندا داد
من موجودم پس چه میخواهی گفت شعر اروم وقد طال المدی منک نظرة + وکم من دماء دون مرمای
هطلت + یعنی میخواهم دیدنی که دراز شده است مدت خواهش از تو دیداری و بسیار خونها
نزد این آرزو ریخته شده از زبان حق بروی تجلی فرمود و آن بزرگ جان بحق تسلیم نمود همچنین شاه
شرف الدین ابوعلی قلندر صاحب پانی پتی رحمه الله گفته شعر گر بیاید ملک الموت که جانم ببرد
تا نبینم رخ تو روح میدن ندهم + لیکن از کلام حضرت ایشان ما قیوم ربانی مجدد الف ثانی
رضی الله عنه چنان مستفاد میشود که این چنین خواهش و کلمات گفتن و نعمای بهشت را بخاطر
نیاوردن از بقایای سکر است اصحاب صحو آنچه نعمتهای بهشت است وغیره نعمای که دلیل
مرضیات حق است آنرا بر سر و چشم از کمال ادب می نهند و میدانند که دیدار خدا درین نشاه
متصور نیست موعود در جنت است آنجا جسد و بصر را حق تعالی قوتی دیگر خواهد داد که طاقت برداشت
رویت خواهد داشت موسی علیه السلام پیغمبر اولی العزم طاقت رویت نداشت و مخاطب لن ترانی
شد و خرّ موسی صعقاً اینجا اگر هست رویت قلبی است نه رویت بصری و رویت قلبی بعالم مثال تعلق دارد
چنانچه حضرت قلندر میفرمایند شعر غیرت از چشم برم روی تو دیدن ندهم + گوش را نیز حدیث
تو شنیدن ندهم + یعنی اینجا آنچه هست بچشم دل و گوش دل است نه بچشم و گوش سر والله
اعلم آنچه دیگران را العینی تجلی و رویت قلبی کالبرق است این حضرات را دائمی است و دیگر باید دانست
که در قران و حدیث احوال مومنان کامل و احوال کافران و منافقان مذکور است و احوال مومنان
فاسق متوسطان کمتر مذکور است بمقایسه دریافت میشود و بدو جهت یکی آنکه در وقت رسول الله

صلی الله علیه وآله وسلم صحابه همه مومنان کامل بودند یا کفار یا منافق بودند دوم آنکه احوال متوسطان
بسیار مختلف ست نظر بر کثرت جرائم وقلت آن وقوت ایمان وضعف آن ودیگر باید دانست فصل
در حق شهید طبرانی وعبد بن حمید بسند ثقات روایت کرده از عبد الله بن عمر که گفته وقتیکه بنده
در راه حق تعالی قتل کرده شود اول قطرهٔ خون او که بر زمین افتد گناهان او بخشیده شود پس پارچه
از بهشت آید ونفس او در آن کرده شود واو را جسدی از بهشت آید در آن کرده شود روح او وبا ملائکه بسوی
آسمان رود وبا ملائکه باشد گویا که از اول خلقت با فرشتگان بود تا که او در حضور رحمن حاضر سازند پس سجده کند
پیش از ملائکه وملائکه بعد از ان بسجده روند پس حکم شود که با شهدا کرده شود پس آنها باشند در چمن های
سبز در قبه های حریر نزد شان گاو باشد وماهی باشد ماهی بخورد واز نوع خوشبو از انهار بهشت وچون
شام شود گاو آن ماهی را شکم بدرد بشاخ خود وپاک کند آنرا پس بخورند شهیدان گوشت ماهی
ویابند در گوشت او هر بوی خوش از انهار بهشت وشبانگاه گاو چریده باشد در بهشت از میوه ها
پس چون صبح شود ماهی بروی آید وذبح کند او را بدم خود پس بخورند شهیدان از گوشت او ویابند
ازو لذت هر میوهٔ بهشت وبینند شهیدان خانه های خود در بهشت ودرخواست کنند از حق تعالی
بقیام قیامت ودیگر قصه قبض روح واحوال قبر مومن وکافر مثل حدیث گذشته درین حدیث
هم آمده واز کعب احبار در تفسیر قوله تعالی ان کتاب الابرار لفی علیین ابن مبارک روایت کرده
که روح مومن چون بعرش میرسد بر آورده میشود برای او از زیر عرش رقی پس مهر کرده شود و
نوشته شود ونهاده شود زیر عرش برای نجات او روز حساب قیامت علیین عبارت از زیر
عرش ست ودر قوله تعالی ان کتاب الفجار لفی سجین گفته که روح کافر چون بسوی آسمان برده
شود آسمان آن را قبول نکند انداخته شود بسوی زمین زمین او را هم قبول نکند پس انداخته شود
زیر هفت زمین رسانیده شود تا سجین پس آورده شود برای او از انجا رقعه پس مهر کرده شود
بر آن ونهاده شود زیر خد ابلیس که خد جای ابلیس ست برای حساب صاحب قاموس گفته
سجین وادی ست در جهنم یا سنگی ست زیر زمین هفتم وابن ابی شیبه از ابی هریره روایت
کرده که قبض روح مسلمان کرده نمیشود تا که می بیند بشری یعنی بشارت وبعد موت آن مرده آواز
کند نفس کسی در خانه از صغیر وکبیر جاندار هر که باشد آواز او شنود مگر جن وانس بگوید جلد رسانید مرا

یا ارحم الراحمین پس چون بر جنازه نهاده شود بگوید چه قدر دیر میروید پس چون لحد داخل کرده شود
نشانیده شود و جائی خود در بهشت ببیند بگوید ای پروردگار داخل کن مرا و را آن حکم شود هنوز وقت
آن نرسیده است بدرستی ترا دیگر برادران و خواهران اند هنوز نیامده اند لیکن خواب کن خوش و
خرم گفت ابوهریره پس قسم بخدا که بخواهد آنکس خوابی کوتاه تر و شیرین تر که بخسپد آن قسم خفته باشد
تا که بردارد سر خود را بسوی بهشت روز قیامت حضرت قلندر میگوید شعر گر بشی دست دهم
وصل تو از غایت شوق ٭ تا قیامت نشود صبح دمیدن ندهم ٭ وابن مردویه وابن منده از
ابن عباس روایت کرده در حدیث طویل در حال مومن که درهای آسمان برای او کشاده شود و همه
نفر شدند هر فرشته در هر آسمان تا که رسد بملک جبار و گوید جبار تعالی مرحبا بروح پاک و جسدی که از وی
بر آمده و بفرماید که او را در بهشت داخل کرده خانه او نمایند پس او را بسوی زمین برند پس فرود آرند
او را در مقدار زمانی که مردم از غسل و کفن او فارغ شوند و داخل کنند آن روح را در جسد و کفن او ٭
و طبرانی از میمونه بنت سعد روایت کرده که گفته شد یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم جنب خواب
کند فرمود دوست نمیدارم که خواب کند تا که وضو نکند می ترسم که بمیرد و جبرئیل بروی حاضر نشود و ابن
ابی شیبه وابن ابی الدنیا وغیره از شیر بن نجره صحابی روایت کرده که نمی میرد کسی مگر آنکه نموده میشود
او را صورت منشینان همنشینانش اگر از اهل لهو است صورت اهل لهو و اگر اهل ذکر است صورت اهل
ذکر وابن ماجه از ابی موسی روایت کرده که پرسیدم از آنحضرت که شناسائی شنیده از مردم کی منقطع
میشود فرمود وقتیکه می بینید یعنی ملک الموت و ملائکه را در صحیحین از عباده بن الصامت رضی الله عنه
مرویست که نبی صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که ملاقات خدا دوست دارد خدا ملاقات او را
دوست دارد و هر که ملاقات خدا مکروه دارد خدا ملاقات او مکروه دارد عائشه رض گفت که ما مردن
را مکروه میداریم فرمود مراد من این نیست لیکن مسلمان را وقت حضور موت خوش خبری داده میشود
برضامندی خدا و گرامی داشتن او پس نباشد او را چیزی محبوب تر از آنچه پیش آید او را یعنی موت و
خدا دوست دارد ملاقات او را و چون کافر را مردن پیش آید خبر داده شود بعذاب
خدا پس هیچ چیز او را مکروه تر نباشد از ملاقات خدا پس مکروه داند حق تعالی ملاقات او را وابن جریر
وابن المنذر از ابن جریج روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود ای عائشه رض وقتیکه

ببیند مسلمان ملائکه را گویند او را ملائکه ترا باز گردانیم بسوی دنیا گوید که مرا بجانهٔ غم و حزن نفرستید
مرا بسوی خدا برید و کافر گوید ای پروردگار مرا باز بسوی دنیا بفرست تا شاید عمل صالح کنم در
آنچه ترک کردم و ابونعیم از سلمان فارسی از آنحضرت روایت کرده که اول مسلمان را در قبر او خوش
خبر داده شود به رضامندی خدا و بهشت و گفته شود خوش آمدی حق تعالی بخشیده کسانی را که
همراه جنازه تو تا قبر تو مشایعت کردند و ابونعیم از مجاهد روایت کرده که مسلمان را خوش خبر
داده شود به صالح بودن فرزندان و بعد او برای سرور چشم او و احمد و ترمذی و ابن ماجه از ابن عمر
از آنحضرت روایت کرده که فرمود حق تعالی قبول میکند توبه بنده تا که جان او قریب مرگ رسد

فصل روح میت مومن با دیگر ارواح مومنان ملاقات میکند چنانچه طبرانی در اوسط
از ابوایوب انصاری رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که روح مسلمان وقتیکه قبض کرده شود ملاقات میکنند با وی اهل رحمت از بندگان خدا
چنانچه در دنیا از کسی که می آید ملاقات میکنند و باهم بگویند که فرصت دهید یا خود را تا که آرام
گیرد بدرستی که او در کمال رنج و شدت بود پس از او پرسند که چه میکند فلان و فلان پس وقتیکه
بگوید که او پیش از من مرده است پس آنها افسوس کنند و انا لله و انا الیه راجعون گویند و
گویند او را برده شد بسوی هاویه یعنی دوزخ و فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که اعمال شما گفته
میشود اقربا و قبیله شما را که پیشتر مرده اند یعنی آنکه اهل خیر اند پس اگر عمل نیک می باشند
خوش میشوند و میگویند که الهی این فضل تست پس تمام کن نعمت خود را بروی و موت ده
او را برین چنین اعمال و اگر عمل بد می باشد میگویند که الهی او را توفیق عمل نیک ده تا تو از
وی راضی شوی بدان و قریب کند او را بسوی تو و در ملاقات کردن مردگان که پیشتر مرده
اند و خوش شدن آنها بملاقات مرده حال و استقبال کردن پسر که پیشتر مرده باشد پدر را
چنانچه غائب را استقبال میکنند در احادیث دیگر هم آمده

فصل احمد و طبرانی از ابی سعید
خدری روایت کرده که نبی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که میت می شناسد کسی را که او را
غسل میدهد و می بردارد و کفن میدهد و در قبر فرود می آرد او را و ابن ابی الدنیا از بکر بن عبدالله
مزنی آورده که مرا رسیده یعنی از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم که آنچه نزد میت میشود میت

آنرا میداند اگر قدرت بر کلام میداشت منع می کرد از نوحه و مانند آن و ابو الشیخ از آنحضرت صلعم
روایت کرده که زنی در مسجد جاروب می کرد مرد و آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم را علم نشد
پس گذشت آن حضرت صلعم بر قبر وی و بر قبرش نماز جنازه خواند پس بر صاحبهٔ قبر را خطاب کرد و
فرمود که کدام عمل بهتر یافتی مردم گفتند یا رسول الله این می شنود فرمود نیستید شما شنواتر از وی
پس فرمود که این زن جواب داده که جاروب کشی مسجد بهتر یافتم و در صحیحین ست از ابی سعید
خدری که آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که چون جنازهٔ میت را می برند اگر صالح
می باشد میگوید پیش برید مرا و اگر غیر صالح می باشد میگوید کجا می برید مرا سوای آدمیان هر چیز
آواز او می شنود و ابن ابی الدنیا از عمر بن خطاب رض از آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت
میکند که میت بر جنازه میگوید ای برادران بردارندهٔ نعش فریب ندهد شما را حیات دنیا و بازی
نکند با شما زمانه چنانچه با من کرده آنچه گذاشتم برای وارثان ست و جزا دهنده روز قیامت
با من خصومت و محاسبه خواهد کرد و شما همراه من می آیید و گذاشته خواهید رفت **فصل**
ابن عساکر از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که داود علیه السلام گفته
الهی چیست جزای آنکه پیروی جنازه کند تا گور برای طلب رضای تو فرمود حق تعالی جزای
او آنست که فرشتگان من مشایعت او خواهند کرد در روز موت او و رحمت خواهم کرد بر روح او
در ارواح **فصل** ابن ابی حاتم از علی ابن ابی طالب روایت کرده که چون مسلمان می میرد
نمازگاه او از زمین و جای بالا رفتن عمل او از آسمان بر وی میگرید و از ابن عباس مروی ست
که زمین تا چهل روز بر وی می گرید و شواهد این از سلف بسیار مرویست **فصل** طبرانی
از ابن عمر روایت کرده که حبشی در مدینه مرد و دفن کرده شد آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
فرمود دفن کرده شد در طیبه که از آنجا پیدا شده بود و این چنین از ابی سعید و ابی الدرداء
مروی ست و ابو نعیم از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که نیست
هیچ مولود مگر آنکه ریخته شده است بر وی از خاک قبر او یعنی بر نطفه و حکیم در نوادر الاصول
از ابن مسعود روایت کرده که فرشته موکل ست بر رحم میگیرد نطفه از رحم و می نهد بر کف خود
و میگوید ای پروردگار مخلقه باشد یعنی آدم ازو پیدا شود یا غیر مخلقه اگر مخلقه باشد گوید ای

پروردگار چیست رزق او و چیست جای اقدام او و چیست اجل او و چیست عمل او حکم شود به بین
در لوح محفوظ از انجا دریافت کند و بگیرد خاک از زمینی که دران دفن کرده شود و خمیر کند بدان
آن نطفه را این ست قوله تعالی منها خلقناکم الآیه **فصل در منفعت دفن در همسایه صلحا**
ابو نعیم از ابی هریره از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود دفن کنید مرده
خود را در میان قوم صالحان بدرستی ست اند ایذا میکشند از همسایه بد چنانچه زنده اند ایذا میکشند و
ابن عساکر از علی ابن مسعود هم چنین روایت کرده و ابن عساکر از ابن عباس از آن حضرت
صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که وقتیکه بمیرد یکی از شما نیک کنید کفن او و جلدی
کنید در انجاز وصیت او و عمیق کنید قبر او و دوری خواهید از همسایه بد گفته شد یا رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم همسایه صالح نفع می کند فرمود آری و دیلمی از ام سلمه هم چنین روایت
کرده ابن ابی الدنیا از عبد الله بن نافع مزنی روایت کرده مردی در مدینه مرد و دفن کرده شد
آنجا پس کسی او را دید که از اهل دوزخ ست و غم خورد بروی بعد هفت هشت روز دید که او از
اهل بهشت ست از و پرسید گفت که دفن کرده شد با من مردی صالح پس شفاعت کرد
در چهل کس از همسایه خود من هم دران بودم ابن منده از ابن عمر روایت کرده از نبی صلی الله علیه
و آله و سلم که چون مسلمان می میرد هر بقعه زمین تجمل میکند و آرزوی میکند که در انجا دفن شود و
چون کافر می میرد مقابر ظلمانی می شود و هر بقعه پناه می جوید از خدا که در انجا دفن شود

باب در انچه بر مرده خوانده شود از ادعیه و تلقین میت

طبرانی و بیهقی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که جلد بسوی
قبر او رسانید و وقت دفن در قبر او نزد سر او فاتحه و نزد پای او خاتمه سوره بقره خوانید
و در روایتی آمده که نزد سر او آیات اول و آخر سوره بقره خوانند و در روایتی آمده که بگوید اللهم
اجره من الشیطان و من عذاب القبر و بزار از علی رض روایت کرده که بگوید بسم الله و فی
سبیل الله و علی ملة رسول الله اللهم عبدک نزل بک و انت خیر منزول به خلفنا الدنیا خلف
ظهره فاجعل ما قدم علیه خیرا مما خلف فانک قلت و ما عند الله خیر للابرار و ابن ابی شیبه

از انس روایت کرده اللهم جاف الارض عن جنبیه و فتح ابواب السماء لروحه و ابدله دارا خیرا

من داره و از مجاهد آورده اللهم افسح له فی قبره و نور له فیه و الحقه بنبیه صلی الله علیه و آله وسلم حاصل
ادعیه آنکه الهی این را از شیطان و عذاب قبر پناه ده و قبر او را فراخ کن و منور کن و درهای آسمان
برای روح او بگشا و خانهٔ آخرت او بهتر از خانهٔ دنیا کن و او را به پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم لاحق کن
این چنین دعا در حق میت کند و از جناب حق طلب مغفرت او نماید و طبرانی از ابی امامه
از آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که چون خاک بر قبر انباشته شود باید که شخصی
بر سر قبر بایستد و بگوید ای فلان بن فلانه اگر نام مادرش نداند بگوید ابن حوا مرده خواهد شنید
و جواب نخواهد داد باز گوید ای فلان بن فلانه پس خواهد نشست باز گوید یا فلان بن فلانه آنگاه
مرده خواهد گفت ارشاد کن رحمت کند ترا خدا پس بگوید یاد کن آنچه در دنیا بر آن بودی شهادت

ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله و انک رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد نبیا
و بالقرآن اماما پس منکر و نکیر هر یک دست دیگری گرفته بگویند که برویم چه کنیم نزد کسی که
او را حجت او تلقین کرده شد **باب در ضغطهٔ قبر** یعنی تنگ گرفتن او حق است
اکثر صالحان را هم میشود گو اندک باشد حتی که سعد بن معاذ رضی الله عنه که از کبار صحابه و سادات
اولین انصار است و عرش از وفات او حرکت کرد و هفتاد هزار فرشته جنازه او را همراهی متابعت کردند
او را هم ساعتی ضغطه شده و در روایتی آمده که زینب و رقیه دختران رسول کریم صلی الله علیه و آله
وسلم را هم شده و سبب ضغطه بعضی زلتی باشد که کفارهٔ آن بضغطه شود و بیهقی از امیه بن عبد الله
روایت کرده که از آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم سبب ضغطهٔ سعد بن معاذ رضی الله عنه پرسیده
شد فرمود که در تطهیر بول چیزی تقصیر میکرد و بیهقی و غیره از عائشه روایت کردند که گفت یا رسول
الله از روزی که حدیث آواز منکر و نکیر و ضغطهٔ قبر فرموده مرا آرام نیست فرمود ای عائشه آواز
منکر و نکیر در گوش مسلمانان چنان باشد که اثمد در چشم و ضغطهٔ قبر بر مسلمان چنان باشد چنانچه
پسری پیش مادر مشفقه شکایت صداع میکند او سر او را در دست میگیرد و بنرمی می افشارد
بعضی علما گفته‌اند که عقوبت گناه مسلمان بده چیز دور میشود یکی آنکه توبه کند دوم آنکه از خدا
طلب مغفرت نماید سوم آنکه از عمل صالح گناه او دور میشود چهارم آنکه در دنیا او را مصیبتی رسد

پنجم آنکه در قبر ضغطه نشود ششم آنکه دیگر مسلمانان برای او دعای مغفرت کنند هفتم آنکه مسلمانان
ثواب اعمال صالحه بخشند هشتم آنکه در روز قیامت سختی نکشد نهم آنکه شفاعت نبی صلی الله علیه و
آله وسلم دستگیری فرماید دهم آنکه رحمت ارحم الراحمین شامل حال او شود ابو نعیم در حلیه از عبدالله بن شخیر
روایت کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده هر که در مرض موت قل هو الله احد خواند
از فتنهٔ قبر و ضغطهٔ قبر محفوظ باشد و ملائکه روز قیامت او را بدستهای خود برداشته از صراط گذرانیده بجنت رسانند

باب اعمال که بصورت انسان شده مصاحبت کنند در قبر

ابن ابی الدنیا عن عطا بن یسار وغیره روایت کرده که چون مرده را در قبر نهاده شود اعمال او
حاضر شوند بصورت انسانی و بگوید من عمل توام گذاشتی اهلخانه و اولاد و قبیلهٔ خود را و آنچه خدا
ترا داده بود پس پشت خود کسی با تو در قبر تو سوای من داخل نشده پس بگوید کاشکی ترا اختیار
میکردم بر اهل و ولد وغیره و بر هر چه خدا مرا عطا کرده بود چون کسی با من نیامده سوای تو

باب در کلام قبر و عذاب قبر

و ترمذی حدیث حسن از ابی سعید روایت کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود بسیار کنید
ذکر شکنندهٔ لذتها را که موت است بدرستی هیچ روز نمی آید که قبر در آن نمی گوید که من خانهٔ تنهائی
و غربت ام و خانهٔ خاک و کرم وقتیکه دفن کرده میشود بنده مومن قبر او را مرحبا بگوید و میگوید
که تو دوست ترین مردم بودی که بر من می رفتی پس چون والی کرده شدم من امروز بر تو
می بینی آنچه با تو سلوک میکنم پس فراخ شود قبر تا مد نگاه و گشاده شود دری بسوی بهشت
و چون کافر یا فاجر دفن کرده شود گوید قبر لا مرحبا و لا اهلا هر آینه مبغوض ترین مردم بودی که
بر من میرفتی پس چون والی کرده شدم من امروز بر تو پس می بینی آنچه بتو می کنم پس بهم پیچد
بر وی تا که جای یکدیگر نشوند استخوان سینهٔ او فرمود رسول صلی الله علیه وآله وسلم پس مسلط
کرده شود بر وی هفتاد مار اگر یکی از آنها دم زند در زمین نروید از زمین چیزی تا که باقی ماند دنیا
پس بگزند و نیش زنند آن مارها تا که حکم شود بسوی حساب فرمود رسول صلی الله علیه وآله وسلم

قبر چمنی ست از چمنهای بهشت یا غاریست از غارهای دوزخ و درین باب احادیث بسیار اند

باب در رفتن بقبر یعنی سوال منکر و نکیر احادیث بسیار وارد شده بتواتر رسیده چنانچه حدیث

براء بن عازب و تمیم داری بالاگذشته و دیگر احادیث بعضی مختصر و بعضی مطول مروی ست و

ابن ماجه وغیره از جابر بن عبد الله روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود وقتیکه

مرده را داخل قبر کرده میشود او را آفتاب وقت غروب متمثل میشود و پس می نشیند چشمها مالیده

میگوید که بگذارید مرا که نماز گزارم و حکیم ترمذی از سعید بن مسیّب روایت کرده که چون سوال

کرده میشود میت که من ربک شیطان حاضر میشود و پس اشارت بسوی خود میکند که منم

پروردگار تو حکیم ترمذی گفته که قوله صلی الله علیه و آله وسلم اللهم اجره من الشیطان تایید این

قول میکند **فصل** در کیفیت سوال اختلاف روایات ست شاید که بعضی مردم را از بعض

اعتقادات سوال کرده میشود و بعضی از مجموع آن یا راوی در روایت بر بعضی اقتصار کرده

و در بعضی روایات ست که در یک مجلس سه بار سوال کرده خواهد شد و از طاؤس مرویست

که تا هفت روز سوال کرده شود **فائده** هر که دفن نکرده شده بر دار کشیده شد یا غرق شد

یا سوخته شد یا درنده او را خورد او هم از ضغطه و سوال و عذاب یا ثواب بی نصیب نیست قبر

عبارت از عالم برزخ است **فصل** ابن عبد الله گفته که سوال نخواهد شد مگر مؤمن را یا منافق

را که منسوب ست بدین اسلام بخلاف کافر مجاهر و قرطبی و ابن قیم میگویند که کافر را هم

باشد و سیوطی گفته که قول اول صواب ست **فائده** ابن تیمیه گفته که احادیث متواتره

دلالت دارند بر آنکه روح بسوی بدن عود کرده شود وقت سوال و بران دلالت دارند که

روح را دران وقت با بدن نوعی علاقه باشد اگرچه بدن متفرق شده یا سوخته شده و یک

طائفه گفته که بدن را بدون روح سوال کرده شود و جمهور انکار این قول میکنند و ابن حزم

وغیره میگویند که سوال از روح باشد بغیر بدن **فائده** بعضی محدثین گفته اند که ملائکه

سوال جماعت کثیر اند بعضی منکر نام دارند و بعضی نکیر بسوی هر مرده دو کس ازان میروند

فائده از شقیق بلخی مرویست که پنج چیز طلب کردیم در پنج چیز یافتیم ترک گناهان در نماز

ضحی و روشنی قبر در تهجد و جواب منکر و نکیر در قرآت قرآن و عبور از صراط در صوم و سایه عرش

در خلوت **فائده** و اصبهانی از انس از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که هر که در حالت سکر بمیرد داخل قبر شود در سکر و در روایتی از وست که ملک الموت و منکر نکیر را در حالت سکر بیند **فائده** بزازی از علما حنفیه گفته که جائیکه میت قرار گیرد آنجا سوال خواهد شد اگر درنده خورد در شکم او سوال شود و اگر در تابوت نهاده نقل کرده شود سوال نکرده شود مگر بعد دفن والله اعلم

باب کسی که سوال نشود و عذاب قبر نشود

کسی پرسید یا رسول الله چیست که شهید را در قبر فتنه نمیشود یعنی سوال نمیشود آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که کافی ست برق شمشیر ها بر سرش از فتنه طبرانی از ابی ایوب از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده هر که در جنگ کفار ثابت قدم باشد تا که غالب شود یا کشته شود او را در قبر فتنه نباشد و در چند حدیث صحیح آمده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود مرابط فی سبیل الله یعنی کسی که بر دره آمدن کفار برای حفظ بلاد اسلام نشیند و آنجا بمیرد عمل او همیشه جاری ماند و ملائکه عمل رباط برای او همیشه می نوشته باشند و از فتنه قبر محفوظ باشد و در بعضی زیاده آمده که روز قیامت شهید برخیزد و ابن جریر در تفسیر از ابن مسعود روایت کرده که هر که هر شب سوره ملک خواند از فتنه قبر محفوظ باشد و هم چنین از کعب احبار از توریت روایت کرده و در حدیث براء بن عازب از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم آورده که هر که الم سجده و سوره ملک بخواند از عذاب قبر و فتنه قبر محفوظ باشد و احمد ترمذی و غیرهما از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده که مسلمانی که شب جمعه یا روز جمعه بمیرد از فتنه قبر محفوظ باشد قرطبی گفته که چون شهید سوال نکرده شود پس صدیق که از وی در قدر عالی ست بطریق اولی سوال نکرده شود و حکیم ترمذی بعدم سوال از صدیقان تصریح کرده و احادیث مرابط مقتضی هستند که حکم عدم سوال در هر شهید ست مخصوص نیست بمقتول در معرکه اقول کسیکه بعد نماز برای انتظار نماز دوم در مسجد نشسته باشد رسول کریم صلی الله علیه وآله وسلم در حق او فرموده فذالکم الرباط پس

وی هم سوال نکرده شود و ابونعیم از جابر روایت کرد که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
هر که روز جمعه یا شب جمعه بمیرد از عذاب قبر محفوظ باشد و روز قیامت آید و بر وی علامت شهدا
باشد و در روایتی آمده که از عذاب قبر و فتنهٔ قبر محفوظ باشد و ملاقات کند با خدا و بر وی حساب
نباشد و روز قیامت آید و با وی شهود باشند که شهادت دهند **باب در فظاعت قبر**
و سهولت آن حاکم وغیره از عثمان رض روایت کرده که بر قبر ایستاد و بگریست تا که ریش او تر شد
و گفت که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که قبر اول منزل از منازل آخرت ست
هر که از ان نجات یافت بعده آسان تر ست از وی و هر که دران نجات نیافت بعد از وی
سخت تر ست از وی و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم که ندیده شده هیچ جای مخوف تر
مگر آنکه قبر از وی شدید تر ست و ابن ماجه از براء بن عازب روایت کرده که آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم بر کنارهٔ قبر نشست و بگریست تا که زمین تر شد و فرمود که ای برادران من برای مثل
این جا تیاری کنید و ابن منده از ابن مسعود روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
فرمود که مسافر را قبر فراخ کرده شود آنقدر که از اهل خود دور ست و احمد و نسائی و ابن ماجه
از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که بمیرد در غیر مولد خود قیاس
کرده از مولد او تا جای قدم او جای او در بهشت باشد ابن منده از ابی هریره روایت کرده
از ان سرور صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که مسلمان در قبر خود در چمن سبز باشد فراخ کرده شود
قبر او هفتاد فراع و روشن کرده باشد مانند ماه شب چهاردهم و ابن ابی الدنیا و وهب بن منبه
گفته که عیسی علیه السلام با حواریین بر قبری بود و ذکر کرده شد وحشت قبر و تنگی و تاریکی آنرا گفت
عیسی علیه السلام بودند شما در تنگ تر ازان در شکم های مادران خود پس وقتیکه خواست خدا فراخ
کردن فراخ کرد و دیلمی از ابن عباس و از انس روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
فرمود رحیم تر بودن حق تعالی به بنده خود وقتی باشد که بنده داخل قبر شود و مردم و اهل او ازو
متفرق شوند اقول الحمد لله که در تنهائی حق تعالی قرین و رحیم باشد **شعر** جهانی مختصر خواهم
که در وی ✤ همین جائی من و جائی تو باشد ✤ **فصل** دیلمی از علی رض از آنحضرت صلی الله علیه و
آله وسلم روایت کرده اول عمل آخرت قبور ست فرق نمیکند در شریف و رزیل

باب در ثواب مشایعت جنازه

ابن ابی الدنیا از جابر بن عبد الله از نبی صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که تحفه مسلمان
آنست که بخشیده شود کسی که برآید در جنازه او و همچنین روایت کرد ابن ابی الدنیا و بزاز و بیهقی
از ابن عباس از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم و در زیاده ابو الشیخ از سلمان فارسی و حاکم
و بیهقی و دیلمی از ابی هریره و حکیم ترمذی از انس روایت کرده

باب اسباب نجات از نیت قبر و تاریکی قبر

مسلم از ابی هریره روایت کرد که این قبور پر هستند از تاریکی و حق تعالی آنرا روشن می کند بصلوٰة
من بر وی محتمل که مراد آن باشد که هر که بر من درود فرستد من بر وی درود فرستم قبر او روشن
شود و دیلمی از انس روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود خندیدن در
مسجد تاریکی باشد در قبر و ابن ابی الدنیا از سری بن مخلد روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه
و آله وسلم ابو ذر را فرمود که اگر اراده سفر کنی البته سامان سفر مهیا سازی پس چگونه باشد سفر راه
قیامت ایا آگاه نسازم ترا بدانچه نفع کند ترا آنروز گفت آری بفرمای فدایت پدر و مادر من
فرمود در سخت گرما روزه داشتن برای روز قیامت مفید است و در تاریکی شب دو رکعت گذاردن
برای وحشت قبر و ابو نعیم از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت کرد که آنحضرت صلی الله
علیه و آله وسلم فرمود هر که صد بار هر روز گوید لا اله الا الله الملک الحق المبین کان له امانا من
الفقر یعنی باشد او را امن از فقر و انس در قبر و گشاده شود برای او درهای بهشت و دیلمی
از ابن عباس روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود وقتیکه عالم بمیرد حق تعالی
علم او را صورت دهد که در قبر مونس او باشد تا روز قیامت و دفع کند از وی هوام ارض را
و احمد و ابن عبد البر از کعب احبار روایت کرد که حق تعالی وحی کرد بسوی موسی علیه السلام
که علم دین بگیر و مردم را بیاموز که من منور کنم علم دهنده و علم گیرنده را قبور شان تا که وحشت
نیابند از جای خود و ابو الشیخ و ابن ابی الدنیا از امام جعفر صادق ع از پدر از جد او روایت کرده

که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که داخل نکرد هر مردی بر مسلمانی خرمی مگر آنکه پیدا میکند
حق تعالی از آن خرمی فرشته که عبادت خدا و توحید کند او را و چون آن بنده در قبر شود آید آن سرور
پس بگوید که مرا می‌شناسی پس گوید که تو کیستی گوید که من آن سرورم که داخل کردی تو بر فلان
کس امروز من ترا انس میدهم از وحشت تو و می‌آموزم ترا حجت تو و ثابت کنم ترا بر قول
ثابت یعنی بر جواب منکر و نکیر و حاضر شوم جاهای حضور روز قیامت و شفاعت کنم برای تو
و نمایم ترا جای تو از بهشت و ابن منده از ابی کاهل روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله
وسلم فرمودند بدان ای ابی کاهل آنکه بدرستی هرکه باز دارد ایذا از مردم باشد حق بر خدا که باز
دارد از وی ایذا در قبر و ابوالفضل طوسی از عمر رضی الله عنه از آنحضرت روایت کرده که هرکه روشنی
کند در مساجد خدا روشنی کند خدا در قبر او و هرکه خوشبو کند در مسجد داخل کند حقتعالی در قبر او خوشبو و خوشی بهشت

باب در حساب قبر

حکیم ترمذی از حذیفه روایت کرده که گفت که در قبر حساب خواهد شد و هم در آخرت حساب
خواهد شد هرکه در قبر حساب کرده شد نجات یافت و هرکه روز قیامت حساب کرده شد
عذاب کرده شد و احمد از عائشه رض روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند
حساب نکرده خواهد شد روز قیامت کسی پس بخشیده شود او را ببیند مسلمان عمل خود
در قبر و ابن عساکر در تاریخ روایت کرده که گفت قسم بکسی که جان من در دست اوست نمیرد
مردی و در دل او مقدار حبه باشد از دوستی کسیکه عثمان رض را قتل کرده مگر آنکه او تابع شود دجال
را وقتیکه دریابد او را و اگر او را نیابد ایمان آرد بدو در قبر خود

باب در عذاب قبر

عذاب قبر حق است رواه البخاری عن عائشه رضی الله تعالی عنها عنه صلی الله علیه وآله
وسلم درین باب احادیث بسیار وارد شده رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اللهم انی
اعوذ بک من عذاب القبر رواه البخاری از ابی هریره فرموده مردگان جن در قبور عذاب کرده میشوند

بهائم آنرا می شنوند و احمد و ابو یعلی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و
آله وسلم فرمودند که مسلط کرده خواهد شد بر کافر نود و نه اژدها که بگزند او را تا روز قیامت و در
حدیثی احمد از عائشه روایت کرده که فرستاده شود بر کافر دو ماری یکی از جانب سر دوم از جانب پای
بگزند او را تا روز قیامت و در صحیحین از ابن عباس روایت است که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
بر دو قبر گذشتند و فرمودند که این هر دو عذاب کرده میشوند و معذب نیستند در کاری بزرگ
یکی از آنها از بول تنزه یعنی احتیاط نمیکرد و دوم میرفت بنمیمه یعنی سخن یکی بدیگری میرسانید تا در آنها
ناخوشی پیش آید پس گرفت آنحضرت شاخی تر و آنرا دو پاره کرد و بر هر یک قبر یکی نهاد گفتند یا
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم این کار چرا کردی فرمود کاشکی تخفیف شود از آنها تا که
خشک نشوند و ابن ابی الدنیا و بیهقی از میمونه روایت کرد که گفت نبی صلی الله علیه وآله وسلم
ای میمونه از عذاب قبر پناه بخدا جو و بدرستی سخت عذاب قبر بسبب غیبت و بول می شود و در
دیگر چند حدیث آمده عذاب قبر بسبب غیبت و نمیمه و عدم احتیاط از بول بیشتر میشود و طحاوی
و ابو الشیخ الابن مسعود رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود
حکم شده برای یک بنده که او را در قبر چند صد دره زده شود پس آن سوال و دعا می کرد تا آنکه یک دره ماند
پس پر شد قبر او از آتش پس هرگاه عذاب از وی مرتفع شد بهوش آمد و گفت که بر چه چیز مرا دره
زدید گفتند که تو نمازی بی وضو گزارده بودی و بر مظلوم گذشته بودی و مددگاری مظلوم نکرده بودی
و در بعضی روایات ابن ابی شیبه وغیره آمده که او گفت برای چه مرا دره زدند من خود ورع و تقوی
داشتم و ابن ابی الدنیا از حسن از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که هر که کسی از اصحاب
من بدگوینده باشد حق تعالی مسلط کند بروی جانوری که قطع کند گوشت او را و ایذا رساند او را
تا روز قیامت و ابن عساکر از واثله بن اسقع روایت کرد که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
که اگر قدریه یا مرجئه مرده باشد پس اگر بعد از سه روز قبر او شگافته دیده شود روی او برگشته از قبله و ابن
ابی الدنیا از ابی اسحق فزاری روایت کرده که مردی پیش او آمده گفت که من کفن دزدی میکردم
و میدیدم بعضی مردم را برگشته روی آنها از قبله ابو اسحق این قصه به اوزاعی نوشت اوزاعی گفت
آن کسانند که مردند بر خلاف مذهب اهل سنت و جماعت و عمر بن میمون از عمر بن عبد العزیز مرده‌ای

روایت کرده که من بودم در کسانیکه ولید بن عبدالملک را دفن کردند پس دیدم که هردو زانوی
او تا گردن او بسته شدند پس عمر بن عبدالعزیز پند گرفت یعنی توبه کرد از آنچه مروانیان در حق
امیر المؤمنین علی می گفتند و ابن ابی الدنیا از مفضل بن یونس روایت کرده که عمر بن عبدالعزیز بن عبدالملک را
پرسید که پدر ترا و برادر تو ولید را که دفن کرده بود گفت فلان کس معتق من گفت که مرا حدیث
کرد فلان کس که چون من آنها را در قبر نهادم و رفتم تا گره از کفن بکشایم دیدم روی آنها برگشته بسوی پشت

باب در انقطاع عذاب قبر

عذاب قبر از کفار منقطع نمیشود و بعضی گفته اند که روز جمعه و ماه رمضان منقطع میشود و این قول
مردود است از آیات و احادیث ابن قیم گفته که عذاب کفار و بعضی مسلمانان عاصی در قبر منقطع
نشود و بعضی گناهگاران قلیل القدر گناه عذاب شود پس منقطع گردد و آن قول و هم بدعا و شفاعت
دیگر مسلمانان منقطع شود و یافعی گفته که روز جمعه و شب جمعه منقطع باشد نسفی گفته باز عود
نکند یعنی عذاب تا یک جمعه شود و اگر شود و لیکن حدیث بران دلالت دارد که زیاده از یک هفته
هم عذاب باشد چنانچه در حدیث نهادن حضرت شاخ سبز بر دو قبر گذشته آنها از مدتی زیاده از
یک هفته مدفون بودند ابو یعلی از انس و بیهقی از عکرمه بن خالد روایت کرده که رسول
خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود هر که روز جمعه بمیرد از عذاب قبر محفوظ باشد

باب کسی که در قبر معذب نشود

ترمذی و ابن ماجه و بیهقی از سلیمان بن صرد و خالد بن عرفطه روایت کرده که رسول الله صلی الله
علیه و آله وسلم فرمودند هر که از شکم مرد عذاب قبر نکرده شود یعنی از جریان شکم و از ابن مسعود و ابن
عباس و غیره بچند طرق مرویست که خواندن سوره ملک هر شب از عذاب قبر نجات
میدهد صحابه در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سورة الملک را مانعه از عذاب قبر میگفتند
و دارمی از خالد بن معدان روایت کرده که الم تنزیل السجده از طرف صاحب خود در قبر مجادله
خواهد کرد و خواهد گفت الهی اگر من از کتاب تو ام شفاعت من قبول کن و اگر نه مرا از کتاب خود در

کس مانند پرنده مرده را زیر بازوهای خود گیرد و شفاعت کند و از عذاب قبر محفوظ دارد و همچنین تبارک الملک و دارمی و ترمذی از جابر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نمی خفت تا که سوره الم تنزیل و سوره ملک میخواند اصبهانی در ترغیب از ابن عباس روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده هر که شب جمعه بعد مغرب دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت فاتحه یکبار و اذا زلزلت الارض پانزده بار خواند سکرات موت بروی آسان شود و از عذاب قبر محفوظ باشد و گذر بر صراط روز قیامت آسان شود و رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده هر که آیة الکرسی بعد هر نماز خواند هیچ چیز او را از دخول جنت مانع نباشد مگر موت این حدیث را نسائی و ابن حبان و ابن مردویه و دارقطنی از ابی امامه و بیهقی از علیؓ و از حدیث صلصال بن الدلهمس روایت کرده **فصل** طبرانی و اصبهانی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده بر اهل لا اله الا الله وحشت نباشد نه وقت مرگ و نه در قبر و نه در وقت بعث اقول این حدیث اگر بر عموم داشته شود گفته شود که بر قدری که وحشت کفار را باشد البته مسلمانرا نباشد و نفی مطلق وحشت نتوان کرد بسبب تعارض دیگر احادیث که بر عذاب قبر عصاة مؤمنین دلالت دارد و ظاهر آنست که مراد از اهل لا اله الا الله کسانند که بفنا و بقا مشرف شده اند در ساحت سینه شان غیر ذات پاک هیچ مقصود نمانده چرا که عبادت عبارتست از کمال تذلل پیش معبود و شک نیست که هر چه مقصود کسی باشد آنکس برای حصول مقصود خود کمال تذلل اختیار می کند پس هر چه مقصود اوست معبود اوست معنی لا مقصود الا الله و لا معبود الا الله بیکجا میرسد و چون مقصود او جز ذات پاک چیزی نماند از ربقه ماسوی الله آزاد شد و از شرک خفی پاک گشت و او را در حالت حیات انس و محبت با خدا باشد نه با هیچکس پس او را خلوت در انجمن بهم رسد یعنی با وجودیکه در انبوه باشد باطنش مشغول ست بخدا نه بکسی دیگر لا یؤمن احدکم حتی یکون الناس عنده کالاباعر یعنی ایمان کامل نمیشود تا که مردم نزد او مثل پشک شتر باشند یعنی با هیچکس سروکار نداشته باشد پس چنین کس که انبوه او را مانع خلوت نیست اگرچه گاهی انبوه موجب تشویش میشود و او را در تنهائی بطریق اولی انس ست پس او را در قبر از جدائی مردم چرا وحشت باشد بلکه زیاده تر لذت و انس باشد

رباعی آنکس که ترا شناخت جان را چه کند + فرزند و عیال و خانمان را چه کند -
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی + دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند + اینچنین کسان بهشت را هم طلب
نمیکنند مگر برای آنکه مرضی خداست و دران دیدار خداست و ما سویهم لطلب او چنانچه
مولوی روم می فرماید شعر چون طمع خواهد ز من سلطان دین + خاک بر فرق قناعت
بعد ازین + اللهم ارزقنا حبک وحب من یحبک وحب عمل یقربنا الی حبک

باب دهم

بیان آنکه انبیا و اولیا در قبور خود بنماز و ذکر خدا مشغول و متلذذ باشند در صحیح مسلم
از انس مرویست که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در شب معراج گذشت بقبر موسی علیه
السلام و او در قبر خود نماز میخواند و ابویعلی از انس از آنحضرت روایت کرده صلی الله علیه وآله
وسلم که انبیا زنده اند در قبور خود و نماز می خوانند و ترمذی و حاکم و غیرهما از ابن عباس روایت
کرده که بعضی اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بر قبری خیمه زد و نمیدانست که آنجا
قبریست ناگاه آنجا انسانی بود سوره ملک خواند آن صحابی بآنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
خبر کرد آنحضرت صلعم فرمود که این سوره مانعه است و نجات دهنده از عذاب قبر حافظ زین الدین
گفته که حق تعالی بعضی را از اهل برزخ گرامی میکند باعمال صالحه اگرچه ازان عمل او را ثواب نباشد
که عمل از موت منقطع شده لیکن عمل او برای آن است که تنعم و تلذذ کند بذکر خدا چنانچه
ملائکه و اهل بهشت تنعم و تلذذ کنند بذکر خدا چه نفس ذکر از نعیم دنیا بهتر است اقول نفس الذکر
از نعیم جنت هم بهتر است پس قول او که ثواب نباشد بیجاست نمی بینی که عوام از سرود و
شعر لذت میگیرند و حظ می بردارند ازان سبب که دران ذکر محبوبیست خواص که محبوب
شان جز حق جل و علا نیست لذت و حظ ایشان از ذکر خداست لا غیر خلافی در حدیث ضعیف
روایت کرده از ابن عباس که مسلمان را مصحف داده میشود در قبر تا که بخواند

فصل ابن ابی الدنیا از یزید رقاشی روایت کرده که مرا رسیده است که مسلمان اگر مرد در حالیکه بعض
قرآن نخوانده حق تعالی فرشتگان را فرستد تا که آنچه از قرآن باقی مانده او را بیاموزند و همچنین از
حسن و عطیه عوفی مرویست

فصل ابن ابی شیبه در مصنف از ابن سیرین روایت کرده
که دوست میداشت که مرده را کفن نیکو داده شود و می گفت که مردگان باهم در کفن خود

ملاقات و زیارت همدیگر میکنند و همچنین ابن عدی از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده مرفوعاً و عقیلی و خطیب از انس و همچنین ترمذی وغیره از ابی قتاده و مراد از نیکو کردن کفن آنست که از حلال باشد و موافق سنت باشد و سفید پاک و پاکیزه نه آنکه بیش قیمت باشد ابوبکر صدیق جامه کهنه برای کفن خود داده فرمود که برای پارچه نو زنده مستحق تر است

باب زیارات قبر

ابن ابی الدنیا از عائشه رض روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند نیست مردی که زیارت کند قبر برادر خود را و نشیند آنجا و سلام گوید مگر آنکه مرده جواب سلام او میدهد و همچنین بیهقی وغیره از ابی هریره روایت کرده مرفوعاً و موقوفاً در صحیح مسلم از ابی هریره مرویست که رسول صلی الله علیه وآله وسلم بسوی مقبره بر آمد السلام علیکم دار قوم مؤمنین وانا ان شاء الله بکم لاحقون گفته و از عائشه مثل آن و زیاده کرده یرحم الله المستقدمین منا والمستاخرین و نسائی و ابن ماجه از بریده از آنحضرت همچنان روایت کرده و بعد لاحقون زیاده کرده انتم لنا فرط ونحن لکم تبع اسال الله لنا ولکم العافیة و ترمذی از ابن عباس و طبرانی از علی بخوآن و ابن ابی الدنیا از ابی هریره روایت کرده که هر که داخل مقابر شود و برای آنها از خدا طلب مغفرت کند و بر آنها رحمت کند گویا که نماز جنازه آنها گزارد

باب در مقر ارواح

در جای قرار ارواح روایات مختلف آمده مالک و نسائی بسند صحیح از کعب بن مالک روایت کرده که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم که روح مسلمانان پرنده است معلق باشد در درخت جنت تا که رجوع کند بسوی جسد او روز قیامت و احمد و طبرانی از ام هانی از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم همچنین روایت کرده و همچنین ابن عساکر از ام بشر امرأة ابی معروف و ابن ماجه و طبرانی در روایتی از ام بشر آورده که شنیدم از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که میفرمود روح مؤمن پرنده است سیر میکند در بهشت هر جا که خواهد و روح کافر در سجین است و طبرانی وغیره

از حمزه بن حبیب از آنحضرت صلعم روایت کرده که روح مومنان در پرنده سبز باشد سیر کنند
در بهشت هر جا که خواهد و ارواح کفار محبوس اند در سجین و در بعضی احادیث در حق شهدا آمده ارواح
شهدا در شکم پرنده سبز باشد که بچرد در نهرهای جنت هر جا که خواهد و جای گیرد در قندیلها زیر
عرش اینچنین مسلم از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم آورده و ابوداود و حاکم
و غیرهما از ابن عباس از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در حق شهدای احد آورده و بقی بن
مخلد از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم نحوه و هناد بن سری از ابی سعید
نحوه و ابو الشیخ از انس روایت کرده که حق تعالی شهدا را در شکم پرندگان سفید در قندیلهای
معلق بعرش گردانید و ابن منده از ابن شهاب بلاغا گفته که ارواح شهدا مانند پرنده سبز معلق
بعرش باشند و ابن ابی حاتم از ابی الدرداء آورده که گفت ارواح شهدا پرنده سبز در قندیلها
معلق زیر عرش باشند سیر کنند در جنتهای بهشت هر جا خواهند و در صحیح بخاری از انس مروی است
که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در حق حارثه بن سراقه که شهید شده گفته که او در فردوس
اعلی ست و این احادیث که در حق شهدا وارد شده دلالت ندارد بر آنکه سوای شهدا کسی
دیگر باین مرتبه نباشد انبیا و صدیقین از شهدا افضل اند و احادیث متقدمه دلالت دارند
که ارواح مومنان در بهشت باشند در ان تخصیص شهدا نیست و دیگر احادیث در حق اطفال
مسلمین وارد شده اند که در بهشت باشند احمد و حاکم و ابوداود و غیرهم از ابی هریره روایت
کرده که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که اولاد مومنین در کوهی باشند در بهشت پرورش
کند آنها را ابراهیم علیه السلام و ساره رد کنند آنها را بسوی آبای شان روز قیامت و از خالد بن
معدان آمده که از شجره طوبی شیر خورند و سعید بن منصور از مکحول از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
مرسل روایت کرده که ذریت مومنان در عصفورهای سبز باشند در بهشت و ابن ابی شیبه و بیهقی
از ابن عباس از کعب روایت کرده که در بهشت در پرنده سبز ارواح شهدا باشد سیر کنند در بهشت
و ارواح اطفال مسلمین در عصفورهای در جنت باشد و ارواح آل فرعون در پرنده سیاه صبح
و شام پیش آورده شوند بر دوزخ و همچنین هناد بن سری از هذیل روایت کرده و چون اطفال
مسلمین که بتابعت آبا و امهات به مسلمین ملحق اند و در بهشت باشند لیکن کبار مسلمین که بصلاح

و تقوی آراسته باشند بطریق اولی در بهشت باشند ازین احادیث معلوم میشود که ارواح مومنین
در بهشت باشند و ارواح کفار در دوزخ لیکن چون در قرآن و حدیث غالباً ذکر مومنان کاملان
آمده مومنان کامل مراد اند و عصاة مومنین در مقابله کفار مذکور نشده اند پس این احادیث
را بر مومنان کامل حمل باید کرد و آن چهار گروه اند النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین
مراد از صالحین اولیاء الله اند که قلوب شان از اشتغال بما سوی الله پاک گشته صالح تجلیات
الهی گشته در حق آن رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود ان فی قلب بنی آدم لمضغة اذا
صلحت صلح الجسد کله و اذا فسدت فسد الجسد کله الا و هی القلب یعنی در بدن انسان مضغه
گوشت ست اگر صالح شد تمام بدن صالح شد و اگر فاسد شد تمام بدن فاسد شد آگاه باش که
قلب ست و نفوس شان از رذایل صفات پاک گشته از اهواء باطله استغفار کرده بمرضیات
الهی اطمینان پذیرفته حق تعالی در حق وی میفرماید یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک
راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی یعنی سوای آن چهار گروه هر کرا خدا خواهد
باین بزرگان ملحق سازد که حق تعالی میفرماید و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین
انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا و بعضی
احادیث دلالت دارند که جای قرار شهدا بیرون بهشت ست چنانچه احمد و طبرانی و ابن
ابی شیبه بسند حسن از ابن عباس روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود ارواح
شهدا بر نهری بر دروازه بهشت در قبه سبز ست بر آید بسوی آنها رزق از جنت صبح و شام
و هناد بن سری و ابن ابی شیبه از ابی بن کعب روایت کرده که شهدا باشند در قبها بیرون نزدیک
بهشت فرستاده شود بسوی ایشان ماهی و گاو و باهم تلاطم و اعتراک کنند و شهدا را با آنها
بازی کنند و وقتیکه خواهند یکی از آنها دیگری را بکشد پس بخورند آنرا و لذت هر چیز که در جنت ست
از آن یابند و آدم بن ابی ایاس از مجاهد روایت کرده که بیرون جنت باشند و میوه جنت و
بوی آن بآنها رسد این احادیث در قوت مثل احادیث سابق نیستند و محتمل که بعضی شهدا
بیرون جنت باشند چنانچه در احادیث شهدا چند مرتبه فرموده مردی صالح جید الایمان خالصاً
لله شهید شد مرتبه او همی ست انبیا بروی بدرجه نبوت فضل دارند و مردی ست که عمل صالح

وغیر صالح میکنند شهید شد گناهان او بخشیده شود لیکن از دخول جنت دین یا چیزی دیگری
از حقوق الناس ورا مانع شود چنانچه مسلم از ابی قتاده و عبد الله بن عمرو بن عاص روایت کرده
که آنحضرت ص فرمود که شهید را همه گناهان بخشیده شود مگر دین جبرئیل بمن همین وقت گفته و
بعضی احادیث دلالت دارند که ارواح مومنین در آسمان هفتم باشند و منازل خود که در
بهشت اند می بینند این چنین ابونعیم بسند ضعیف از ابی هریره روایت کرده و وهب بن
منبه گفته که در آسمان هفتم خانه ایست که آنجا ارواح مومنین جمع میشوند هر که می میرد آنجا
میرود و ارواح سابق از وی اخبار دنیا می پرسند و سعید بن منصور از سلمان فارسی
روایت کرده که روح چون از بدن خارج شود در میان آسمان و زمین می باشد و ابن مبارک و
حکیم ترمذی و ابن ابی الدنیا و ابن منده از سعید بن مسیب از سلمان روایت کرده که ارواح
مومنین در برزخ باشند از زمین سیر کنند هر جا که خواهند و نفس کافر در سجین این احادیث
واقوال اگر بدرجه صحت رسد محمول بران باید کرد که بعضی مومنان اعمال شان آنقدر
مساعدت نکنند که داخل بهشت شوند در آسمان هفتم باشند بعضی از انها آنچنان باشند که
از آسمان برتر نتوانند رسید در میان زمین و آسمان باشند لیکن محبوس بذنوب چندان نباشند
قدرت سیر داشته باشند و بعضی دیگر که بذنوب اسیر باشند قدرت سیر نداشته باشند طبرانی
از انس روایت کرده که جنازه آمد رسول صلی الله علیه وآله وسلم پرسید که بر این قرض هست
گفتند هست فرمود نماز من نفع نخواهد کرد و محبوس باشد در قبر روح او بسوی آسمان
صعود نکند اگر کسی قرض ضامن شود نماز خوانم و ترمذی و ابن ماجه وغیره از ابی هریره
روایت کردند که روح مومن محبوس باشد تا که دین ادا نشود و همچنین از آنحضرت ص از براء
بن عازب طبرانی روایت کرده که مدیون محبوس باشد شکایت تنهائی خود کند پیش خدا
و بزار و طبرانی از ابن عباس روایت کرده که آنحضرت فرمود که اینجا کسی از هذیل هست یار
شما بدروازه بهشت محبوس ست عوض دین اگر خواهند دین او ادا کنند و اگر خواهند
او را بعذاب خدا بسپارند پس کسی که بسبب دین یا مانند آن داخل بهشت نتوانند شد
یا بدروازه بهشت نتوانند رسید یا از آسمان برتر نروند یا در قبر محبوس باشند وارواح کفار

همه شان در سجین زیر زمین هفتم جائیکه دوزخ ست محبوس باشند و صبح و شام بدوزخ پیش
آورده شوند النار یعرضون علیها غدوا و عشیا و یوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد
العذاب درین احادیث باین وجه تطبیق داده میشود لیکن دیگر احادیث دلالت دارند که
ارواح مومنین و کفار همه شان در قبور آنها هستند چنانچه حدیث طویل براء بن عازب گذشته
که روح مومن را فرشتها تا آسمان هفتم رسانند حکم شود بنویسید کتاب بنده من در علیین و باز
بریدا ورا بسوی زمین که از زمین پیدا کرده ام و باز دروی گردانم و باز ازوی بیرون آرم
پس داخل کرده شود روح در جسد او و دیگر احادیث هم باین معنی دلالت دارند تا آنکه ارواح
انبیا هم در قبور شان باشند رسول کریم صلی الله علیه وآله وسلم موسی علیه السلام را در شب
معراج دید که در قبر خود نماز میخواند و رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود هر که درود فرستد
بر من نزد قبر من بشنوم آنرا و اگر از دور فرستد رسانیده شود بمن بنابر اختلاف روایات اقوال
علما درین باب مختلف اند ابن عبد الله گفته که این احادیث اخیره اصح اند و احادیث سوال
منکر و نکیر و نمودن مرده را مکان او در بهشت یا دوزخ و عذاب قبر و ثواب دران و زیارت قبو
و سلام بران و خطاب شان مانند خطاب حاضر عاقل دلالت بر همین دارند که ارواح شان
در قبور شان باشند و نسفی در بحر الکلام گفته که ارواح انبیا چون از جسد بیرون میشوند صورت
شان از مشک و کافور باشد و در بهشت باشند بخورند و بنوشند و تنعم کنند و شبانگاه در
قنادیل زیر عرش جا گیرند و ارواح شهدا در شکم پرنده سبز بخورند و بنوشند و تنعم نمایند و شبانگاه
در قنادیل زیر عرش باشند و ارواح دیگر مردم مطیع از مومنان بیرون نزدیک بهشت باشند
آنها را خوردن و تمتع نباشد مگر آنکه ببینند بهشت را و ارواح مومنان عاصی درمیان آسمان
و زمین باشند درمیان هوا و ارواح کفار در سجین باشند در شکم جانوران سیاه زیر زمین
هفتم و آنها را بجسم اتصالی باشد با جساد و ارواح را عذاب شود و جساد را درد رسد چنانچه
آفتاب بر آسمان است و نور وی در زمین و حافظ ابن حجر عسقلانی رحمة الله علیه می گوید
که ارواح مسلمانان در علیین و ارواح کفار در سجین و هر یک روح را با جسد خود اتصالی
باشد معنوی که مشابه آن اتصال نیست که در حیات دنیا بود بلکه اگر مشابهت داده شود

بحال خفته داده شود لیکن آن اتصال از اتصال خفته قوی تر ست شیخ جلال الدین سیوطی رح
گفته که باین تقریر انچه در احادیث آمده که جای ارواح ایشان در علیین و سجین ست و انچه ابن عبد البر رح
از جمهور نقل کرده که نزدیک قبور اند جمع میشود و فقیر در مقام جمع بین الاحادیث در ان می بیند
که ملائکه چون روح مومن را قبض کرده بسوی آسمان میبرند بالای آسمان هفتم میبرند انجا حکم
می شود که نامهٔ او در علیین بنویسند و او را باز بسوی زمین برند که او را ازیمان زمین پیدا کرده ام
و باز بوی عائد سازم و باز از انجا بیرون آرم پس روح را داخل جسد آن کنند و سوال منکر
و نکیر شود و انبیا و کسی که مشابهت تامه با انبیا بهم رسانند شان آنها از سوال ارفع ست و بعد
سوال چون بر جواب حق ثابت شود حکم شود که برای او فرش کنند از بهشت و پوشاک
دهند از بهشت و بکشایند برای او دروازه بسوی بهشت انگاه روح او صعود کند بهمان راه
که از قبر به بهشت باشد بسوی بهشت ارواح انبیا و شهیدان و صدیقان و اولیا در ان
بهشت باشند و هر جا که خواهند سیر کنند و بخورند و بیاشامند و زیر عرش جا گیرند و در علیین و
اعلی علیین هر یک بر حسب مراتب خود باشند و دیگر مومنان را اظهار رسائی تا انجا نباشد
تا آسمان هفتم باشد و عصاة مومنین را تا که مغفرت و توب درست ندیدا از آسمان ترقی میسر نشود
درمیان آسمان و زمین باشند و در برزخ زمین سیر نمایند بلکه در حالت پابندی معاصی بعضی را
از قبر ترقی نشود و محبوس باشند و کفار را که ارواح قبض کرده به برند درهای آسمان بر ینها مفتوح
نشود و نامهٔ او در سجین نوشته شود و او را باندازند و روح در جسد او داخل نشود و از انجا برای او
راهی بسوی دوزخ کشاده شود و از ان راه روح او را به سجین رسانند و صبح و شام بر دوزخ
عرض کرده باشند و بر بودن ارواح شهدا و صلحا در بهشت دلالت دارد قوله تعالی قیل ادخل
الجنة قال یالیت قومی یعلمون بما غفر لی ربی و جعلنی من المکرمین که در حق حبیب نجار
ست و انبیا و صدیقان افضل و اشرف اند از شهدا لیکن چون راهی از قبور شان تا بهشت
حق سبحانه تعالی مسلوک و نیز نزدیک ساخته هست هر گاه کسی زیارت قبر کند یا سلام گوید
یا خطاب کند در طرفة العین انجا حاضر شود و جواب سلام گویند پس بدین رسول صلی الله
علیه و آله وسلم موسی علیه السلام را در شب معراج در قبر در نماز و باز بر آسمان ششم در

همان شب بهمین سبب رسول کریم صلی الله علیه وسلم در شب معراج از زمین تا سدرة
المنتهی وجنة الماوی رفت وچه قدر سیر واحکام پیش آمد وباز بر زمین تشریف آورد
وبستر هنوز گرم بود وبعد مردن هرچند روح را با جسد بقسم اتصال نباشد که در حالت زندگی
چنانچه قوله تعالی الله یتوفی الانفس حین موتها والتی لم تمت فی منامها فیمسک التی
قضی علیها الموت ویرسل الاخری الی اجل مسمی دلالت بران دارد ولیکن البته علاقه
باقی می ماند که ازان ادراک راحت ورنج کند وقطع نظر ازان اگر روح علیحده معذب باشد
وجسد علیحده معذب باشد این هم ممکن ست وجسد بی روح هرچند نزد عوام احساس لذت
والم ندارد لیکن از شرع ثابت ست که عند الله احساس دارند اتینا طائعین واذنت لربها
وحقت ویومئذ تحدث اخبارها نصوص قرآنی ست ودر حدیث آمده که یک کوه کوه دوم
را میگوید که کسی بر تو ذکر کننده هم گذشته است اگر گوید آری خوش میشود وقوله تعالی
انا عرضنا الامانة علی السموات والارض الآیه وقوله تعالی وان من شیء الا یسبح بحمده وقوله
تعالی فما بکت علیهم السماء والارض وحدیث گریستن آسمان وزمین بر موت مسلمان و
خوش شدن زمین از دفن مسلمان وابا کردن از دفن کافر دلالت دارد برین مدعا مولوی
روم میفرماید شعر آب وباد وخاک وآتش بنده اند * پیش ما مرده باحق زنده اند فائده
حق تعالی در حق شهدا میفرماید بل احیاء عند ربهم اقول مراد شاید آن باشد که حق تعالی
ارواح شان را قوت اجساد میدهد هر جا که خواهند سیر کنند واین حکم مخصوص بشهدا نیست انبیا
وصدیقان از شهدا افضل اند واولیا هم در حکم شهدا اند که جهاد بانفس کرده اند که جهاد اکبرست
رجعنا من الجهاد الاصغر الی الجهاد الاکبر ازان کنایت ولهذا اولیاء الله گفته اند ارواحنا اجسادنا
اجسادنا ارواحنا یعنی ارواح ما کار اجساد می کنند وگاهی اجساد از غایت لطافت برنگ ارواح
می براید ومیگویند که رسول خدا را سایه نبود صلی الله علیه وآله وسلم ارواح ایشان از زمین وآسمان
وبهشت هر جا که خواهند میروند ودوستان ومعتقدان را در دنیا وآخرت مددگاری می فرمایند
ودشمنان را هلاک می نمایند واز ارواح شان بطریق اویسیه فیض باطنی میرسد وبسبب همین حیات
اجساد آنها را در قبر خاک نمی خورد بلکه کفن هم می ماند ابن ابی الدنیا از مالک روایت کرده ارواح

مومنین هرجا که خواهند سیر کنند مراد از مومنین کاملین اند و حق سبحانه تعالی اجساد ایشان
را قوت ارواح میدهد که در قبور نماز میخوانند و ذکر میکنند و قرآن میخوانند حضرت مجدد
رضی الله عنه فرموده که حق تعالی بعضی اولیا را جسم موهوب میدهد و این حکم در حق شهدا
از حدیث ثابت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرموده وقتیکه انسان شهید
میشود حق تعالی جسد نازل میکند بهترین صورت و گفته میشود که روح او را که درین بدن داخل
شو پس می بیند جسد اول را آنچه باوی کرده میشود و سخن میکند و گمان میبرد که مردم سخن
او را می شنوند و گمان می برد که مردم او را می بینند تا که می آیند ازواج او حور عین پس
او را همراه خود میبرند این حدیث را ابن منده مرسل روایت کرده

باب اعمال زندگان بر اقربای مرده عرض کرده میشود

احمد وغیره از انس روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم اعمال شما بر اقربای شما که
مرده اند عرض کرده میشود اگر اعمال خوب می باشند خوش میشوند و اگر بدی باشند ناخوش
میشوند و میگویند که الهی آنها را ممیران تا که هدایت کنی و همچنین طیالسی از جابر بن عبد الله
و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از ابی ایوب روایت کرده و درین باب احادیث از نعمان
بن بشیر و ابی هریره و ابی الدرداء وغیره مرویست **باب** ارواح مومنان در خواب عروج
میکنند تا عرش و در عروج عرش ظاهر امراد ارواح مومنان کاملان است از انبیا و اولیا
چون شیاطین را در خوابهای انبیا دخل ممکن نیست خوابهای شان داخل وحی است و عروج
ارواح اولیا تا فوق آسمانها میشود و خوابهای شان اکثر صادق میباشد و چون عروج
ارواح عوام بالای آسمانها نباشد خوابهای شان اکثر اباطیل میباشد در خوابهای اولیا
که از زیر آسمان بینند گاهی خلط شیاطین میشود از علی رضی الله عنه روایت کرده شده که رسول
صلی الله علیه وسلم فرموده مرد یا زن چون خواب میکند روح او بسوی عرش صعود میکند
و آنجا در آسمانها آنچه در خواب می بیند آن خواب صادق میباشد و چون از آنجا باز می آید و زیر
آسمان ها می بیند شیاطین در هوا ملاقات میکنند دروغ میگویند آن خواب کاذب میباشد

و بیهقی از عبد الله بن عمرو بن العاص روایت کرده که ارواح می روند بسوی آسمان و امر کرده
میشود بسجود نزد عرش پس هر که پاک میباشد سجده میکند نزد عرش و هر که پاک نباشد سجده
میکند بعید از عرش و ابن مبارک از ابی الدرداء روایت کرده که روح آدمی در خواب عروج
میکند بسوی عرش پس هر که پاک میباشد اذن میشود او را بسجود و اگر جنب باشد اذن نکرده
شود بسجود **باب** در آنچه مرده را از زندگان ایذا میرسد طبرانی و حاکم از عماره بن حزم
روایت کرده که مرا رسول الله صلی الله علیه وسلم بر قبری نشسته دید فرمود که از قبر فرود آی
ایذا مکن صاحب قبر را و او ترا ایذا نکند و بخاری از عائشه روایت کرده که فرمود رسول صلی الله
علیه وآله وسلم مردگان را بد نگویید بدرستی که آنها رسیدند بد آنچه کرده بودند و در روایت ابن ابی الدنیا
آمده یاد نکنید مردگان را مگر بخیر اگر آنها از اهل بهشت اند گنهگار خواهید شد شما و اگر آنها از اهل دوزخ اند
بس ست آنها را آنچه در آن هستند نسائی از صفیه بنت شیبه روایت کرده که بحضور آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم مرده را به بدی یاد کرده آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که بجز نیکی
یاد نکنید و ابو داود و از ابن عمر روایت کرده آنحضرت فرمود صلی الله علیه وآله وسلم که نیکیهای مرده
ذکر کنید و بدیها او ذکر نکنید و ابن ابی شیبه از عقبه بن عامر صحابی آورده که گفت که اگر قدم نهم بر
آتش یا بر شمشیر بهتر است نزد من از آنکه قدم نهم بر قبر قضاء حاجت کردن در مقابر و در بازار
بحضور آدمیان یکسان میدانم و ابن ابی الدنیا روایت کرده که سلیم بن عفرانه در مقبره بول نکرده
گفت حیا میکنم از مردگان چنانچه از زندگان میکنم و سعید بن منصور و ابن ابی شیبه از ابن مسعود
روایت کرده که پرسیده شد از پامال کردن قبر فرمود که چنانچه ایذای مومن در حیات مکروه میدانم
همچنین ایذای او بعد موت مکروه میدانم **فصل** رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده
المیت یعذب ببکاء اهله علیه یعنی مرده عذاب کرده میشود بسبب گریستن و نوحه کردن اهل او
بروی این حدیث را بخاری از عمر بن الخطاب و ابویعلی از ابی بکر صدیق و ابی هریره و ابن حبان
از عمران بن حصین و انس و طبرانی از سمره بن جندب و ابن منده از مغیره بن شعبه و ابن سعد
از ابن عمر روایت کرده و در صحیحین از عائشه روایت کرده که پیغمبر خدا چنین نفرموده است
که هر مرده بسبب نوحه اهل او معذب باشد بلکه این حدیث در حق مرده کافر است یا در حق

کسی که بسبب دیگر گناهان معذب است آن حضرت فرموده که اهل بیت بر میت گریه و نوحه میکنند
و او عذاب کرده میشود و معنی حدیث سابق بهمین معنی فرود آورده و قوله تعالی لا تزر وازرة وزر
اخرى یعنی بر نمی دارد هیچکس گناه دیگری را دلالت دارد که هیچکس بسبب گناه دیگری ماخوذ نخواهد
شد لهذا علما حدیث سابق را تاویل میکنند بعضی تاویل میکنند چنانچه عائشه گفته یعنی محمول
است بر میت کافر یا فاسق و بعضی میگویند مراد از میت کسی است که عادت او نوحه بود یا
کسی که بنوحه وصیت کرده امام بخاری باین معنی قائل گشته و بعضی میگویند که مراد کسی است
که میدانند که بعد مرگ اهل او نوحه خواهند کرد و او از آن منع نکرده و بعضی میگویند که مراد از تعذیب
توبیخ ملائکه است بر آنچه اهل او ندبه میکنند ترمذی و حاکم و ابن ماجه روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه و آله و سلم که هر که میرد و ندبه کننده بر وی بگوید واجبلاه واسیداه و مانند آن دو
فرشته در سینه او زنند و بگویند آیا همچنین بودی گویم اگر میت بنوحه و ندبه راضی نباشد مستحق
این توبیخ هم نباشد و بعضی میگویند که میت متالم و رنجیده میشود از آنچه اهل او میکنند
طبرانی و ابن ابی شیبه از قیله بنت مخرمه روایت کرده که وی ذکر کرده نزد رسول صلی الله
علیه و آله و سلم فرزند خود را که مرده بود پس گریست پس فرمود رسول الله صلی الله علیه
و آله و سلم آیا غالب میشود بر یکی از شما که صحبت دارد با دوست خود در دنیا بخوبی و وقتیکه میرد
انا لله و انا الیه راجعون گوید قسم کسی که جان محمد در دست او است بدرستی که یکی از شما گریه میکند
پس عاجل میکند بسوی دوست او پس ای بندگان خدا عذاب مکنید مردهٔ خود را این قول را ابن
جریر و ابن تیمیه و اکثر ائمه اختیار کرده اند سعید بن منصور روایت کرده که ابن مسعود زنان را
که در جنازه دیده فرمود بازگردید مازورات یعنی بار بردارنده گناه غیر ماجورات بدرستی که در
فتنه میگذارید زندگان را و ایذا میکنید مردگان را و یحیی بن سعید از حسن بصری
روایت کرده که بدترین آدمیان برای میت اهل او است که بر وی گریه میکنند و دین او ادا نمیکنند

باب در چیزی که میت را در قبر او نفع کند

ابو نعیم از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و سلم وقتیکه بندهٔ مومن

می میرد هر دو فرشته یعنی کاتبان اعمال او بسوی آسمان صعود میکنند و میگویند ای پروردگار
ما را موکل کرده بودی برای نوشتن عمل او و او را قبض روح کردی پس اذن فرما که در آسمان باشیم
حکم شود که آسمان من پر است از فرشتگان من تسبیح میکنند برای من پس بگویند که اذن فرما
که در زمین باشیم پس فرماید که زمین من هم پر است از خلق من تسبیح میکنند لیکن شما بر قبر
همان بندهٔ من استاده باشید و تسبیح و تهلیل و تکبیر من میگفته باشید تا روز قیامت و آن را
برای بندهٔ من بنویسید ظاهر آنست که این حکم برای مومن کامل ست که چهار فریق اند و ابن
ابی الدنیا و ابو نعیم در حلیه از ثابت بنانی روایت کرده که چون مسلمان در قبر نهاده شود اعمال
صالحه او را احاطه کنند و آید فرشته عذاب پس بعضی اعمال او بگویند دور شو از وی اگر نمی بود
او را بجز من تا هم نمیرسیدی تو او را و در صحیحین از انس ست که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم
وقتیکه کسی مرد سه چیز پیروی او میکنند اهل و مال و عمل دو چیز باز میگردند و عمل نزد وی باقی میماند
و ابن ابی الدنیا از یزید بن منصور روایت کرده که مردی که قرآن میخواند وقت مرگ چون ملائکه
عذاب حاضر شدند تا قبض روح کنند قرآن برآمد و گفت ای پروردگار مسکن من ست که درین
مرا ساکن کردی حق تعالی فرمود بگذارید برای قرآن مسکن او را و اصبهانی از ابی منهال روایت
کرده که هیچ رفیق در قبر محبوب تر بسوی مرده از استغفار کثیر نیست و در صحیح مسلم از
ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم وقتیکه انسان مرد عمل او منقطع شد مگر از سه چیز
یکی صدقه جاریه یعنی وقف دوم علم که مردم از وی نفع میگیرند یعنی مردم بعد مردن از علوم
او منتفع میشوند یعنی تلامذه گذاشته یا کتب تصنیف کرده گذاشته سوم اولاد صالح که برای
او دعا کنند و احمد از ابی امامه از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم چهار چیز آورده چهارم شخصی که مرابط
ست در راه خدا یعنی برای محافظت اهل اسلام بر راه عبور کفار به نیت جهاد نشسته بود و مرد
عمل او هم بعد موت جاری باشد و ابن ماجه و ابن خزیمه از ابی هریره روایت کرده که رسول
فرمود صلی الله علیه و آله و سلم آنچه مسلمان را بعد موت او از حسنات او میرسد علم ست که پیدا کرده
کرده یا ولد صالح گذاشته یا مصحف گذاشته یعنی تا مردم دران تلاوت کنند یا مسجد یا
مسافرسرا بنا کرده یا نهر جاری کرده یا صدقه در حالت صحت از مال خود برآورده لیکن بعد موت او

بوی لاحق شده و ابو نعیم و بزار صفت چیز ذکر کرده از جمله آنکه چاهی کنده یا درخت
نشانده و ابن عساکر از ابی سعید خدری از آنحضرت روایت کرده که هر که یک آیت از قرآن یا یک
مسئله از علم کسی را بیاموزد جاری دارد الله تعالی ثواب آن تا روز قیامت و طبرانی از ابی هریره
آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که الله تعالی در بهشت برای بندهٔ صالح درجه بلند
میکند آن بنده بگوید که الهی مرا این درجه از کجا شد گوید بسبب استغفار ولد تو برای تو و نیز
از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که مرد مثل کوهها از
حسنات روز قیامت بیند گوید این از کجاست گفته شود که بسبب استغفار فرزند تست و در
صحیح مسلم از جریر بن عبدالله از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم مرویست که هر که طریقهٔ
نیک جاری کرد یعنی حسنه را رواج داد او را ثواب آن حسنه باشد و ثواب هر کس که بدان
حسنه عمل کرده باشد رسد بی آنکه ثواب عمل کننده آن حسنه کم شود و هر که طریقهٔ بد جاری کرد
یعنی عمل بد را رواج داد او را گناه آن عمل باشد و هم گناه کسانیکه بدان عمل کنند بی آنکه چیزی
از گناه عمل کنندگان کم شود و ابن سعد از رجاء بن حیوة روایت کرده که سلیمان بن عبدالملک
را گفته که از چیزهائی که خلیفه را در قبر محفوظ دارد این است که بعد خود مردی صالح را خلیفه سازد
بیهقی و دیلمی از ابن عباس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وآله وسلم که میت مرده
در قبر مگر مانند غرق شونده فریاد کننده انتظار میکند دعای خیر را که برسد او را از پدرش
یا مادر یا فرزند یا دوست معتمد علیه پس چون میرسد او را باشد محبوب تر بسوی او از دنیا و ما
فیها و بدرستیکه حق تعالی داخل میکند بر قبور از دعای اهل زمین مانند کوهها و بدرستیکه هدیه
زندگان بسوی مردگان استغفار است و ابن ابی الدنیا از سفیان روایت کرده که چنانچه
زندگان بسوی طعام و آب محتاج اند مردگان بسوی دعا ازین محتاج تر اند و از اکثر علما
منقول است اجماع بر آنکه دعای زندگان مرده را نفع میکند و دلیل آن از قرآن است
قوله تعالی والذین جاءوا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان
و طبرانی در اوسط از انس از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که فرموده
که امت من امت مرحومه است داخل قبرها میشوند با گناهان و بیرون خواهند آمد از قبرها

بگناه دور شوند گناهان شان بسبب استغفار مومنان برای آنها و در صحیحین از عائشه رضی الله
عنها مرویست که مردی گفت یا رسول الله که مادر من بمفاجات مرد و چیزی وصیت نکرد
و گمان دارم که اگر سخن میگفت تصدق میکرد آیا او را ثواب باشد اگر من تصدق کنم از
طرف وی فرمود آری و بخاری از ابن عباس روایت کرده که سعد بن عباده گفت که یا
رسول الله مادر من مرده و من غائب بودم اگر من از طرف او صدقه کنم او را نفع رسد فرمود
آری پس سعد گفت من شاهد میکنم ترا یا رسول الله که باغ من صدقه است از طرف او و احمد
و اصحاب سنن اربعه از سعد بن عباده روایت کرده که گفت یا رسول الله مادر من مرده
کدام صدقه افضل است فرمود صدقهٔ آب پس چاهی کندید و گفت که ثواب این چاه برای
ام سعد است و همچنین طبرانی بسند صحیح از انس آورده و طبرانی از ابن عمرو روایت کرده که
رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم وقتیکه تصدق کند یکی از شما صدقه نفل باید که کند آن
صدقه را از پدر و مادر خود پس باشد ثواب آن صدقه پدر و مادرش را و کم نشود از اجر او چیزی
و همچنین دیلمی از معاویه بن حیده روایت کرده و طبرانی در اوسط از انس روایت کرده که رسول
فرمود صلی الله علیه و آله وسلم که نباشد اهل خانه که کسی از آنها مرده پس تصدق کنند از طرف او
بعد موت او مگر آنکه هدیه کند برای او جبرئیل بر طبقی از نور و ایستد بر کناره قبر او و بگوید ای
صاحب قبر عمیق این هدیه فرستاده است بتو اهل تو پس قبول کن پس آن هدیه بر وی
داخل شود پس خوش شود بدان و غمگین شوند همسایگان او که هدیه بسوی شان نفرستاده
شده و ابن ابی شیبه از سعید بن سعید روایت کرده که اگر از طرف میت آنچه صدقه کرده
شود هر آینه رسد او را و طبرانی از عقبه بن عامر روایت کرده که زنی گفت یا رسول الله
حج کنم از طرف مادر خود فرمود اگر بودی بر مادر تو دین ادا میکردی گفت آری پس امر کرد
او را که حج کند و همچنین بزار و طبرانی بسند حسن از انس روایت کرده که آنحضرت امر کرد
مردی را برای آنکه حج کند از طرف پدرش و طبرانی از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه و آله وسلم هرکه حج کند از طرف مرده پس حج کننده را هم همان قدر ثواب
باشد و بیهقی و اصبهانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم

هر که حج کند برای والدین خود بعد مردن شان بنویسد الله تعالی برای او آزادی از آتش و
مادر و پدرش را ثواب حج کامل میرسد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم صله رحم بهتر ازین
نیست که برای او حج کند بعد موت او و ابن ابی شیبه از عطا و زید بن اسلم روایت کرده که مردی
گفت یا رسول الله آزاد کنم از طرف پدر خود که مرده است فرمود آری و نیز از عطا روایت کرده
که میرسد بعد موت ثواب عتق و حج و صدقه و روایت کرده از محمد باقر رضی الله عنه که حسن و
حسین علیهما السلام از طرف علی مرتضی رضی الله عنه آزاد میکردند و ابن سعد از قاسم بن
محمد روایت کرده که عائشه از طرف برادر خود عبد الرحمن از مال قدیم خود آزاد کرد با میدان
که نفع کند او را بعد موت او و ابو الشیخ از عمرو بن العاص روایت کرده که گفت یا رسول الله عاص
وصیت کرده بود به آزاد کردن صد برده پس آزاد کرد هشام از آنجمله پنجاه فرمود صدقه و
حج و عتق کرده نمیشود مگر از مسلم اگر مسلم میبود او را ثواب میرسید و ابن ابی شیبه از حجاج بن دینار
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم از جمله نیکی کردن با پدر و مادر آنست که نماز گزاری
برای آنها با نماز خود و روزه داری برای آنها با روزه خود و صدقه دهی از طرف آنها با صدقه
خود و در صحیحین از عائشه مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که بمیرد و بر وی روزه
واجب باشد روزه دارد از طرف او قریب او و مسلم در صحیح از بریده روایت کرده که زنی گفت
یا رسول الله صلی الله علیه وسلم بر مادر من روزه دو ماه واجب بود اگر من از طرف او روزه دارم
کفایت کند او را فرمود آری باز گفته که مادر من گاهی حج نکرده بود اگر من از طرف او حج کنم
او را کفایت کند فرمود آری چون ثابت شد که ثواب عباداتی بدنی مانند نماز و روزه و حج
و عبادات مالیه از صدقه و عتق و کندن چاه بمیت میرسد لهذا جمهور فقها حکم کرده اند
که ثواب قرات قرآن و اعتکاف و غیره هر عبادت بمیت میرسد به قال ابو حنیفه و مالک و
احمد و شافعی درین خلاف کرده حجت می آرند بقوله تعالی لیس للانسان الا ما سعی و چون بنصوص
مذکوره و اجماع و بقوله تعالی الحقنا بهم ذریتهم ثابت شده که از اعمال غیر هم گاهی منتفع میشود پس
تاویل این واجب شده پس بعضی گفته که این آیت منسوخ است بقوله تعالی الحقنا بهم الآیه و بعضی گفته که
این حکم خاص است با امت ابراهیم و موسی علیهما السلام و بعضی گفته که لام بمعنی علی است

یعنی لیس عمل للانسان الا ما سعی و بعضی گفته که مراد از انسان کافرست بقرینهٔ سیاق کلام و
تاویل نزد فقیر آنست که معنی سعی جد و کوشش ست در امری و معنی آنست که هر کاری که انسان
میکند آنچه نیت و قصد او در انکار باشد همان او را میرسد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم انما
الاعمال بالنیات و انما لکل امرئ ما نوی فمن کانت هجرته الی الله و رسوله فهجرته الی الله و رسوله
و من کانت هجرته الی الدنیا یصیبها او امراة ینکحها فهجرته الی ما هاجر الیه حافظ شمس الدین بن
عبد الواحد گفته از قدیم در هر شهر مسلمانان جمع میشوند و برای اموات قرآن میخوانند پس
اجماع شده و خلال از شعبی روایت کرده که بودند انصار وقتیکه کسی میمرد از ایشان بسوی
قبر او می رفتند و برای او قرآن میخواندند و ابو محمد سمرقندی از علی رضی الله عنه از آن حضرت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که هر که در مقابر گذشت و قل هو الله احد یازده بار خوانده ثواب
آن باموات بخشید او را ثواب به او شود بعدد مردگان و ابو القاسم سعد بن علی از ابی هریره
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که داخل مقابر شود پستر بخواند فاتحه و قل
هو الله احد و الهکم التکاثر و بگوید آنچه خوانده ام ثواب آن باهل قبور از مومنین و مومنات
گردانیدم آنهمه مردگان برای او شفیع باشند بسوی الله تعالی و عبد العزیز صاحب خلال
بسند خود از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که داخل مقابر شود و
سورهٔ یٰسین بخواند از مردگان تخفیف عذاب شود و او را بعدد مردگان حسنات باشد و قرطبی
گفته که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم بخوانید بر مردگان خود یٰسین جمهور میگویند در وقت
مردن بخوانند و عبد الواحد مقدسی گفته که نزد قبور بخوانند و محب طبری گفته که در هر دو حال
خوانند و در احیاء العلوم از احمد بن حنبل روایت کرده که وقتیکه در مقابر داخل شوند
فاتحه و معوذتین و قل هو الله احد خوانند و برای اهل مقابر گردانند بآنها رسد و بالا گذشته خواندن
فاتحه نزد سر میت و خاتمهٔ سورهٔ بقره نزد پای او از حدیث ابن عمر از آنحضرت صلی الله علیه و سلم
و اول سورهٔ بقره و خاتمهٔ آن از حدیث علاء بن اللجلاج والله اعلم

باب احسن اوقات برای موت

ابونعیم از ابن مسعود روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه وسلم هر کرا اتفاق مردن
شد نزد تمامی رمضان یا تمامی عرفه یا دادن صدقه داخل بهشت شود و ابونعیم از خیثمه روایت
کرده که بودند سلف خوش میکردند آنها را مردن کسی نزد عمل صالح حج یا عمره یا روزه رمضان
یا جهاد و احمد از حذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هرکه لا اله الا الله گفته
یا روزه داشته یا صدقه داده برای حق تعالی و بران ختم شد داخل بهشت شود و دیلمی
از عائشه رض روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هرکه بروز جمعه یا شب جمعه مرد
از عذاب قبر پناه یافت و روز قیامت آید و بروی علامت شهدا باشد

باب در آنکه جسد انبیا و شهدا در قبر خاک نشود

حاکم و ابوداود از اوس بن اوس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم بیشتر
درود نفرستید بر من روز جمعه پس هر آینه درود شما بر من عرض کرده خواهد شد گفتند
یا رسول الله چگونه عرض کرده شود بر تو و حالی که تو بوسیده یعنی خاک شده باشی فرمود
حق تعالی حرام کرده است بر زمین اجساد انبیا را و ابن ماجه از ابی الدرداء و مانند آن روایت
کرده امام مالک و بیهقی و غیره روایت کردند که چون معاویه نهر آورد از راه جبل احد گفت کسی هر
قتیل او آنجا مدفون باشد آنجا خبر گیرد مردم عمرو بن جموح و عبدالله بن جسور و عبدالله
بن عمرو بن حرام را از آنجا برداشته نقل مکان کردند بدنهای شان سالم بر آمده تازه و بوی
مشک از آنخاک می آمد و کلند بپای حمزه رسید خون از آن جاری شد ازینجا معلوم میشود
که انبیا و شهدا را جسد ارواح اعلی علیین باشند لیکن علاقه شان ببدن زیاده باشد
از آنچه دیگر را باشد و لهذا آنها را احیا میگویند و همچنین باشد حال صدیقان و صالحان یعنی
اولیا و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم موذن که برای
خدا اذان میکند مانند شهید آلوده بخون است و چون بمیرد کرم نشود در قبر او قرطبی گفته
که ظاهر آنست که او را خاک نخورد و ابن منده از جابر بن عبدالله روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم وقتیکه حامل قرآن می میرد وحی میکند حق تعالی بسوی زمین

که گوشت او را نخوری زمین گوید ای رب چگونه نخورم گوشت او را در حالیکه کلام تو در شکم اوست ابن منده گفته که درین باب از ابی هریره و ابن مسعود نیز مرویست و مروزی از قتاده روایت کرده که ما را رسیده است که زمین مسلط نشود بر جسدی که گناه نکرده باشد اقول بندگان صالح یعنی اولیاء الله که قلوب و ابدان آنها صلاح یافته اند از گناهان محفوظ و معفو اند زمین بر اجساد آنها هم مسلط نشود چنانچه شهدا را که سیف آنها را از گناهان پاک کرده است والله اعلم و الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی الملائکة المقربین و علی عباد الله الصالحین برحمتک

یا ارحم الراحمین

خاتمة الطبع سپاس خدای را که در بندگان موت و حیات برای امتحان مقرر گردانیده و در قبور مطیعان را به نعمت و عاصیان را به نقمت رسانیده درود پیغمبری را که مومنان را مژده علیین و کافران را بیم سجین داده و آل و اصحابش را که در راه تحصیل حسن خاتمه قدم فراتر نهاده اما بعد چون اهل ایمان را دانستن حال موت و شناختن سعادت و وخامت عاقبت ضروریست تا در تحصیل حیات حسن انجام کوشد و از اسباب سوء خاتمه پرهیز د لهذا احقر العباد محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان اسکنه الله دار الجنان رسالهٔ متبرکه تذکرة الموتی و القبور تصنیف حضرت علم الهدی علامة الوری قاضی محمد ثناء الله صاحب پانی پتی قدس سره که در احوال اموات و قبور حسن تالیف یافته در مطبع نظامی در ماه صفر سنه ۱۲۷۹ به طبع در آورده انشاء الله تعالی بعد ازین رساله تذکرة المعاد هم حلیه طبع پوشیده جلوه ظهور خواهد داد امید چون ناظرین از مطالعه اش حظ بردارند مهتمم را به دعای حسن خاتمه یاد آرند فقط

وجه تسمیه خاتمه برای سند این معنی که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست مهر و دستخط نموده شد

محمد روشن خان حنفی ۱۲۶۱
محمد عبد الرحمن بن حاجی

العبد